

موثرترین پاسخ به توطئه‌های تفرقه افکنانه:

اتحاد است

برای درک توطئه جدید آمریکا، که بار دیگر بر فضای انقلاب ایران سایه می‌گستراند و استعمار بوی خطر، تبحر سیاسی لازم نیست، کفایت در متن حوادثی که ۲ سال گذشته در کشور انقلاب ما رخ داده، زندگی کرده باشیم، تا از مشاهده حوادثی که امروز در کشور ما می‌گذرد، به توطئه خطرناکی که در حال تکوین و اجراء است، یقین حاصل کنیم.

تجربه ۶ توطئه خطرناک و گسترده، که امپریالیسم آمریکا بگونه‌های زنجیره‌ای و یکی از دیگری گسترده‌تر و مهلک‌تر برای نابودی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، طرح ریخت و به مرحله اجرا درآورد، حاکیست که هر توطئه با یک زمینه‌سازی وسیع آغاز گردیده، تا درست در لحظه اوج اختلافات و تنش‌ها تو درگیریه، که توسط عوامل آشکار و نهان امپریالیسم آمریکا پدید آمده و دامن زده میشد، دست آهینی، پیکار افتد و انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را منهدم سازد. خوشبختانه با هوشیاری و جانبازی و فداکاری نیروهای انقلابی و توده‌های میلیونی خلق، تمامی این توطئه‌ها به شکست انجامید و درد شکست برای دشمن و تجربه عظیمی بیروزی برای خلق و نیروهای انقلابی و

بقیه در صفحه ۴

دولتی کردن مدارس خصوصی ضرورت انقلاب خلقی ما

از دوران طاغوت مدرسی برای ما به‌ارث مانده بود که نام «علی» بر خود گذاشته بودند، ولی در واقع موسسات سرمایه‌داری بودند که بر مبنای کسب حداکثر سود عمل میکردند و در خدمت خانواده‌های مرفه و متمکن قرار داشتند. آنها با دریافت شهریه‌های گزاف و پولهای هنگفتی که به بهانه عرضه خدمات از جیب اقشار و طبقات مرفه جامعه بیرون میکشیدند، این امکان را برای فرزندان آنان فراهم می‌آوردند که در فضای کافی، کلاسهای وسیع و روشن و مجیز، زیر نظر آموزگاران و دبیران و مربیان مجرب بیاموزند، سرویس رفت و آمد داشته باشند، زمین و امکانات ورزشی در اختیارشان باشد، از خدمات جنبی مانند کلاسهای موسیقی و زبان، گردشهای دسته‌جمعی و غیره استفاده کنند. برخی از این مدارس، به بهانه کودکان خانواده‌های خارجی، یعنی آمریکایی و انگلیسی و آلمانی و ایتالیایی و فرانسوی مقیم تهران، تاسیس یافته بود، ولی در آن محدوده باقی نماند، این مدارس چون امکانات گسترده و وابستگی‌های خاص به مراکز اصلی خود داشتند، باطلیع خانواده‌های متمکن ایرانی قرار گرفتند و فرزندان آنان را جذب کردند.

به گفته آقای دکتر باهنر، تعداد مدارس خصوصی، ۱۳۰ فقره بقیه در صفحه ۴

در یکی از جلسات اخیر مجلس شورای اسلامی ایران، که آقای دکتر یدالله سبحانی، نماینده تهران، پرسش‌هایی در ارتباط با دولتی‌شدن مدارس خصوصی، از وزارت آموزش و پرورش مطرح ساخت، و پس از آنکه پاسخ آقای دکتر باهنر، وزیر آموزش و پرورش، را ممتنع ندانست، گزارشی را درباره همین مسئله قرائت کرد که، آن پرسش‌ها و این گزارش در مجموع، معرف نقطه نظرهای مخالفت‌آمیز دکتر سبحانی در مسئله دولتی کردن مدارس خصوصی است، که یکبار دیگر نیز، به‌نگام تصویب این لایحه قانونی از سوی شورای انقلاب در سال گذشته، بیان داشته بود.

مسئله دولتی کردن مدارس خصوصی، که در اجراء قانون اساسی جمهوری اسلامی مبنی بر «توزیع عادلانه امکانات آموزشی» به تصویب شورای انقلاب رسید، یکی از مثبت‌ترین مسویات شورای انقلاب است. این مسئله برای نخستین بار در دولت موقت مطرح گردید، که به گفته دکتر سبحانی با آن مخالفت بعمل آمده، یعنی آقایان لیبرال‌ها مانع از پذیرفتن این طرح شدند. پس از سقوط دولت موقت، طرح قانونی دولتی‌شدن مدارس خصوصی، در اسفندماه ۱۳۵۸ به تصویب شورای انقلاب رسید و از تیرماه سال ۱۳۵۹ به مرحله اجرا درآمد.



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۹۳
شبه ۲۲ آذر ۱۳۵۹، مطابق با
۵ صفر ۱۴۰۱، بهای: ۱۵ ریال

پیشنهاد های سازنده اتحاد شوروی برای تبدیل خلیج فارس و اقیانوس هند به منطقه صلح و امنیت

حجت الاسلام خامنه‌ای:

مردم بدانید، شیطان بزرگ آمریکا و شیطانهای کوچک در سراسر منطقه و در داخل ایران در کمینند

«شیطان بزرگ آمریکای جهانخواه و مزدوران داخلی و خارجی‌اش در کمینند تا انقلاب را به نابودی کشانند. وی همچنین توطئه ستون پنجم دشمن را که در پشت جبهه به تشییع انقلاب مشغول است، افشاء کرد. حجت‌الاسلام خامنه‌ای در خطبه‌های نماز از جمله سخن اشاره به اینکه جنگ تحمیلی آمریکایه بقیه در صفحه ۷

مردم بدانید که پس ماندنها و تفاله‌های رژیم طاغوتی گذشته ایران هنوز امیدوارند، هنوز در کمینند و در همه جا هستند. در سطح جامعه برای تشییع نپادهای انقلابی و بر مبنای بعضی نفاذ ضعف موجود در این نهادها و پایداری می‌شود اشاره کرد.

مردم بدانید که پس ماندنها و تفاله‌های رژیم طاغوتی گذشته ایران هنوز امیدوارند، هنوز در کمینند و در همه جا هستند. در سطح جامعه برای تشییع نپادهای انقلابی و بر مبنای بعضی نفاذ ضعف موجود در این نهادها و پایداری می‌شود اشاره کرد.

* مناسبات اتحاد شوروی و هند مظهر تحقق اصول همزیستی مسالمت‌آمیز و همکاری برابر حقوق و تعریف است.
* اتحاد شوروی دامن‌زدن به جنگ ایران و عراق را محکوم میکند
* یگانه راه حصول توافق با دولت افغانستان، رعایت اصل حسن همجواری است

در باره اوضاع خاور نزدیک و میانه تولید برزف، سخن اشاره به اوضاع آبر، «تگران‌کننده» خواند و گفت: «اوضاع خاور نزدیک نیز، که در آن همچنان برای تحویل تانی‌های تسلیم‌طلبانه به کشورهای عربی و وادار ساختن آنها به پذیرش پایمال‌شدن منافع ملی و بنیادین شان تلاش بعمل می‌آید، حالتی انتحاری بخود گرفته است. در جنوب‌خاوری آسیا هم، که امپریالیست‌ها و دست‌انرا نشان سیاست رویارو ساختن یک یا گروهی از کشورها در برابر بقیه در صفحه ۷

تولید برزف، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، که از هند دیدار رسمی و دوستانه‌ای بعمل آورد، در روز چهارشنبه ۱۹ آذر ۱۳۵۹ در پارلمان آن کشور سخنرانی مهمی ایراد کرد. تولید برزف خاطر نشان ساخت که: «مناسبات میان اتحاد شوروی و هند به عامل مهم تحکیم پایه‌های صلح در آسیای بیرون از محدوده این منطقه تبدیل شده است. این مناسبات، که بر پایه استوار «قرارداد صلح، دوستی و همکاری» گسترش می‌یابد، مظهر تحقق اصول همزیستی مسالمت‌آمیز و همکاری برابر حقوق و تعریف است. تولید برزف با کشورهای دارای نظام‌های اقتصادی-اجتماعی مختلف است.»

نورالدین کیانوری «پرسش و پاسخ» شخصیت‌های خلقی و ضد امپریالیست نباید بالیبرال‌ها در یک صف قرار گیرند

آیا سوسیالیسم، سرمایه‌داری دولتی است؟

تلفات سنگینی به دشمنان متجاوز وارد شد

یک فروند هواپیمای متجاوز عراقی در شمال ماهشهر سرنگون شد. دشمن در منطقه شرق سلیمانیه عراق حمله به نیروهای زرهی دشمن مستقر در جبهه آبادان و انهدام تعداد قابل ملاحظه‌ای از تانکها و نفرات ارتش عراق در ساعت ۹:۰۸ با ماسداز روز ۱۹ آذرماه یک فروند از هواپیماهای متجاوز عراقی هدف جنگنده‌های نیروی هوایی قرار گرفت و در منطقه شمال ماهشهر سرنگون شد - همچنین در این روز تعدادی از هواپیماهای متجاوز عراقی به مدافعان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در ادامه نبرد با متجاوزین صدام ضربات کوبنده‌ای بر آنها وارد آوردند. ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران در اعلامیه شماره ۳۳۵ خود شرح عملیات رزمندگان نیروهای مسلح را در روز ۱۹ آذرماه جاری به اطلاع مردم رساند. در این اطلاعیه از جمله آمده است: «الف - فعالیت‌های عملیاتی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران - رزمندگان تیزرو و جگان برکت نیروی هوایی در روز ۱۹ آذر این ضربات را به دشمن وارد آوردند. انهدام یک ایستگاه دیدبانی - یک قشعه توپ ضد هوایی - یک پاسگاه نظامی و به هلاکت رساندن تعدادی از نیروهای

قرارداد ترانزیت ایران و شوروی قرارداد سود استقلال ایران

* این قرارداد در خیلی از موارد برفع دولت جمهوری اسلامی ایران، یکطرفه بسته شده است.
* «راديو بختیار» این قرارداد را مخالف اصل «نه شرقی نه غربی» و «رنجبر» آنرا «بزیسان» می‌کند و غارت نمی‌شود، سر-نوشت خویش را بدست دارد و بسود خلق خویش منابع طبیعی و انسانی خود را مورد بهره‌برداری قرار میدهد، باید یا بقیه در صفحه ۷

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

موثرترین ...

پتیة از صفحه ۱
 مسئولان متصد و انقلابی برجای ماند. برجسته ترین نمونه‌های این «تدارک» و «انجام» تجاوز نظامی در طیس و کودتای نارنجی ۱۸ تیر بود که هر دو آنها با یک جنجال و تشنج عظیم در داخل کشور و درگیری میان گروه‌های مختلف همراه بودند.

امریالیسم آمریکا پس از چند شکست پیاپی و از دست دادن بخش بزرگی از نیروهای ذخیره غربی خود در درون ایران، چاره‌ای جز آن نیافت که رژیم جنایتکار صدام حسین را علیه انقلاب ایران برانگیزد. این توطئه عظیم نیز که طراح آن تصور میکرد، در عرض چند روز به پیروزی خواهد انجامید، از نظر سیاسی با شکستی خردکننده مواجه شد و به نیروی مدافعه حماسه آمیز مردم انقلابی و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، اعم از پاسدار و ارتش، از نظر نظامی نیز محکوم به شکست است.

شکست قطعی ونهائی رژیم صدام حسین در این تجاوز خائنه، که پیشک وضع سیاسی برادر یکی دیگر از حساس ترین نقاط خاورمیانه، یعنی عراق را به زیران امریالیسم آمریکا تغییر دهد، امری نیست که با سکوت و موافقت امریالیسم آمریکا میسر خواهد بود. پیشک امریالیسم آمریکا تمامی تلاش خود را بکار خواهد انداخت تا از چنین شکستی برای رژیم جنایتکار صدام، ممانعت کند. پیشک امریالیسم آمریکا به هر عملی دست خواهد زد تا انقلاب ایران را از پیشروی بازدارد. بهین دلیل، گذشته از تدارکات وسیع برای تقویت نیروی رو به ضعف ارتش متجاوز صدام حسین، امریالیسم آمریکا در سدد است، تا جبهه‌های جدیدی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بگشاید.

این توطئه جدید همانگونه که روش همیشه امریالیسم آمریکا است، با کارزار وسیعی بمنظور ایجاد تفرقه میان نیروهای خلق و ایجاد تشنج و درگیری میان آنها، انحراف توجه آنها از مسکنه اصلی کارزار و دشمن اصلی، آغاز شده است.

دستگاه‌های تبلیغاتی امریالیسم آمریکا و وابستگان و بیروان داخلی آن، نخست تلاش کردند که با پخش اخبار جعلی در مورد کمک اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی به رژیم صدام، امریالیسم آمریکا را، که از مدتها قبل رژیم صدام را برای حمله به ایران مجبور میکرد، از زیر ضربه خارج سازند و یا برای او شریک جرم بترانند. کشورهای وابسته‌ای چون یمن شمالی، سلاح‌های ساخت شوروی را که از گذشته در اختیار داشتند به عراق فرستادند تا در عین تقویت صدام حسین، بیروان خط برزیسکی و دستگاه‌های تبلیغاتی امریالیستی بتوانند مدعی ادامه کمک نظامی اتحاد شوروی به عراق شوند. علیرغم آنکه بندر عقبه بندری اردنی و تحت اختیار امریالیسم آمریکاست و عراق از مدتها قبل از جنگ، با پرداخت یک میلیارد دلار به اردن، آنرا تجویز و تکمیل کرده است، دستگاه‌های تبلیغاتی امریالیستی و الهام‌گیرندگان ایرانی آنها، در بوق و کرناهی خود دمیدند که «شوروی علیه ایران به عراق کمک نظامی می‌کند».

ولی این کارزار تبلیغاتی خیلی زود شکست خورد و حقایق که، بیانگر پشتیبانی بیدریغ اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بودند، سرعت آشکار شدند. اما تدارکات تازه آغاز شده بودند...

یک مصاحبه تحریک آمیز، زنده و اقتر آمیز علیه مسلمانان انقلابی و روحانیت مبارز در سیمای جمهوری اسلامی ایران و بدنبال آن رادیوهای گروهی مشکوک در قم، که خواستار «بازگشت روحانیت به مساجد» و «جدائی دین از سیاست» بودند و برخاستن فریاد «وای آزادی» از من جرأید و نشریات پیرو خط برزیسکی و خواستار سازش با امریالیسم آمریکا، نشان دهنده توطئه وسیعی بود که مستقیماً ستون فقرات نیروهای رجمری کننده انقلاب، یعنی روحانیت مبارز پیرو خط امام و رهبر انقلاب امام خمینی را آماج خود قرار میداد. بدنبال این تحریکات گستاخانه، جبهه‌ای از کلیه نیروهای که از تعمیق و گسترش

انقلاب ناراضی و خواستار توقف آن بودند، تشکیل شد. در این جبهه، هم مدافعان بختیار، که یکسال قبل در قالب حزب ضدانقلابی «خلق» مسلمان و درمدمد ایجاد جنگ داخلی در آذربایجان و قزوین بودند، هم طرفداران مشروطه بدون سلطنت، که در دوران روی کار آمدن بختیار «برای یک سازش کامل سیاسی با بختیار» تلاش می‌کردند، هم مائوئیست‌های تازه مسلمان شده، هم مائوئیست‌های ضدانقلابی چپ‌نما (بیگار) که برای جنگ مسلحانه با جمهوری اسلامی ایران تدارک می‌یابند و بالاخره مائوئیست‌های ضدانقلابی راست (رنجبران) که از گسترش جو ضد امریکائی، ناراضی و خشمگین‌اند و در تمامی توطئه‌ها و تحریکات نقش نمایان و فعال دارند، همگی گرد یکدیگر جمع شدند و از فقدان آزادی، ناله سر دادند و روحانیت مبارز پیرو خط امام را آماج حملات خود گرفتند. یعنی از روحانیون نیز که از همان ابتدای انقلاب به مقابله با آن برخاسته و تفر امام خمینی را برانگیخته بودند، همانهایی که از تعمیق انقلاب و فعالیت ارگانهای انقلابی و انجام اقدامات بسود دهقانان و دیگر زحمتکشان ناراضی بودند، به این گروه پیوستند و از فقدان آزادی، غارت بی‌بندوباری، اظهار نگرانی و ناراضی کردند. بدنبال این بلوای گسترده، گروهی عناصر مشکوک به «کانون نشر حقایق اسلامی» در مشهد حمله کردند و گروهی دیگر روزنامه «میزان» را اشغال نمودند. از این اقدامات ایقان، فاتیسم، رسات و گسترده‌تر شد.

مستافه سرمایه‌داران بزرگ وابسته، غارتگران بازاری، فئودالها و بزرگسالکان و نمایندگان معمم و مکلای آنان، و نیز گروه‌های ضدانقلابی مائوئیستی و ساواکیهای مخفی تنها تشکیل‌دهندگان این اتحاد نامقدس و برپاکنندگان این جنجال بودند. بخشی از ازشخصیتها و گروه‌های خلقی نیز، که به‌ویژه در مواضع اساسی اقتصادی و سیاسی خویش با گروه فوق‌یکسان نیستند و حتی با آنها تضاد آشفتناپذیر دارند، بعلت ناراضیاتی از زیاده‌روی، انحصارطلبی و قسری‌گری افراد و محافل معین - که وجود

دارد، ولی فرعی است - ناخواسته در کنار لیبرالها قرار گرفتند.

توطئه‌ها ادامه یافت. گروه‌های مخفی و مجبور و مسلح ضدانقلابی به بسب گذاری علیه روحانیون اقدام کردند تا این تصور را پدید آورند که «مردم علیه روحانیت قیام کرده‌اند». مائوئیست‌های مسلمان‌نمای ضدانقلابی، رگبار دشنام و افترا را بر مسلمانان انقلابی، که زیر بار خواستهای سازشکارانه آنها نمی‌روند، گشودند، آنها را تکفیر کردند و «کمونیست» نامیدند و تعمیق انقلاب را، که خواست توده‌های میلیونی زحمتکش است، کار توده‌های «ها»، که گویا در جسم مسلمانان «حلول» کرده و آنها را «تخریب» نموده‌اند، نامیدند. آنها تلاش کردند تا مسلمانان انقلابی را علیه متحدین صدیق و راستین آنها، یعنی توده‌های برانگیزند و متاسفانه همیشه ناموفق نبوده‌اند.

توطئه‌ها و تحریکات و ایجاد درگیری و تشنج میان مردم ادامه یافت، که نمونه آنرا می‌توان در مشهد و در آمل مشاهده کرد، که تاکنون چند کشته نیز بر جای نهاده است. «حزب ضدانقلابی خلق مسلمان» نیز به فعالیت تحریک آمیز خود در آذربایجان افزوده است. تحریکات در میان محصلین و در مدارس و تحریکات در صفاغان نیز نمونه‌های دیگری است.

در کردستان باند قاسملو به‌همراه دیگر مزدوران وابسته به بعث عراق در تدارک حمله گسترده به شهرها و یادگسارها هستند. در بلوچستان و سیستان، مزدوران وابسته به «ضیاعالحق» خانها و روسای عشایر، که از گسترش انقلاب ناراضیاند، در تدارک توطئه هستند. وجود ضدانقلابیون افغانی چون برهان‌الدین ربانی و گروهک توطئه گر و خرابکارش جمعیت اسلامی افغانستان و بلوچستان، که فعلاً به قاچاق اسلحه و فراری دادن ضدانقلابیون ایرانی اشتغال دارند، کانون خطر جدیدی را برای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران پدید می‌آورد. به گفته استاندار سیستان و بلوچستان «رد پای بختیار» هم در این ناحیه حساس مشاهده شده است.

ما بر اساس تجارب پر بار ۴۰ ساله خویش، که از زندگی و مبارزه علیه امریالیسم، بسب کردگی امریالیسم آمریکا، در متن حیات سیاسی خلقهای ایران کسب کرده‌ایم و نیز بر اساس تجربه ۲ ساله انقلاب، این وقایع را جدا از یکدیگر نمی‌دانیم و به نیروها و مسئولین مشد و انقلابی نیز توصیه می‌کنیم که بسا درس‌گیری از گذشته، هشیارانه و قاطعانه به توطئه جدیدی که اجرای آن آغاز شده است، برخورد کنند. همه حوادث گویای آن هستند که خطر جدی و مهلک دیگری انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را تهدید می‌کند. با این خطر نیز جز با اتحاد مستحکم همگانی خلق و همه نیروهای انقلابی، جز با سرکوب قاطع و بی‌امان ضدانقلاب نمی‌توان برخورد کرد.

ما به نیروهایی که نادانسته هزم آتش نفاق ضدانقلابیون «آزادیخواه» گشته‌اند، هشدار میدهم که هرچه سریعتر جبهه واقعی خویش را بیابند و از تائب شومی که اعمال آنها می‌تواند برای سرنوشته انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بیار آورد، جلوگیری کنند.

ما به نیروهای متصد و انقلابی مسلمان هشدار می‌دهیم که از دامهای نفاق، که ضد انقلابیون و لیبرالها در مقابل آنها می‌نهند، حذر کنند و در ایجاد محیط قاطع، که برای دشمن مهلک است، بکوشند.

ما به مسئولان کشور هشدار میدهم که توطئه دشمن را در نهایت وقت در نظر گیرند و با ایجاد اتحاد مستحکم میان همه نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، این توطئه را نیز، همچون دیگر توطئه‌ها، عقیم گذارند.

در مقابل تاکتیک دشمن که عیارت است: میان مردم تفرقه بیندازد، رهبری را تضعیف کن، اذنان را از دشمن اصلی منحرف ساز و یورش بیر،

مشی نیروهای انقلابی باید عبارت باشد از: متحد شویم، رهبری را تقویت کنیم، دشمن اصلی، شیطان بزرگ را از یاد بیزیم و با تمام نیرو ضدانقلاب را سرکوب کنیم.

تلفات سنگینی ...

پتیة از صفحه ۱
 ۱۵ تن از نیروهای ارتش عراق به هلاکت رسیدند، ۳ برائرس آتش توپخانه زرمندگان نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در منطقه اهواز، ۱۰ خودرو، ۲ سنگر اجنماعی، ۲ سنگسرمیات و چند قبضه خیارهانداز و تیربار دشمن منهدم و همچنین تعدادی از مزدوران ارتش صدام به هلاکت رسیده و یا مجروح شدند. ۴ برائرس آتش توپخانه زمینی در منطقه آبادان ۲ دستگاه تانک، ۱ دستگاه نفرین، ۱ دستگاه خودروی نظامی، ۲ سنگر و یک انبار مهمات دشمن منهدم و به آتش کشیده شد. همچنین در منطقه دارخوین زرمندگان نیروی زمینی توانستند یک دستگاه تانک و یک دستگاه خودروی سوخت دشمن را منهدم کنند. از تلفات مزدوران دشمن آمار دقیق تیه نشده است. ۵ زرمندگان شجاع نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در سرکه‌روز ۱۹ آذر ماه در یک عملیات تهاجمی موفقیت آمیز، این ضربات را به نیروهای ارتش عراق در منطقه برزی فکه وارد آوردند: انهدام ۴ دستگاه لودر - انهدام ۴ دستگاه قریلی حامل مهمات - انهدام ۵ دستگاه کامیون - به آتش کشیدن ۲ چادر بزرگ گروهی - همچنین در این عملیات حدود ۵۰ تا ۶۰ تن از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند.

دولتی کردن مدارس خصوصی ...

پتیة از صفحه ۱

بود که بهترین ساختمانها و پاساژهای تری و وزیده ترین آموزگاران و دبیران را بخود تخصیص داده بودند. در وراء این مدارس، مدارس دولتی بدلیل سیاست طبقاتی رژیم پهلوی و نداشتن امکانات، در سطح نازل تری قرار داشتند. در پایتخت از مرکز شهر تا جنوبی ترین نواحی تهران را دربر میگرفتند، با ساختمانهای مخروبه، کلاسهای سفتشکافته، فضای تنگ و ناکامی و غیر مجبور هم از نظر گذار و هم امکانات آموزشی. وضع مدارس دولتی در شهرستانها از این بدتر و در روستاها بدتر از بدتر بود، علاوه بر آنکه دهها هزار روستای ایران فاقد مدرسه بودند و در شهرها تعداد مدارس برای جذب کودکان به سن تحصیل کافی نبود.

انقلاب خلقی ما، که به گفته امام خمینی، «انقلاب کوخ نشینان» بود، وظیفه داشت که در کنار دگرگونیهای انقلابی در زمینه تعدیل ثروت، کم کردن شکاف طبقاتی و بهبود زندگی طبقات و اقتدار زحمتکش و مستضعف، آموزش طبقاتی را نیز از میان بردارد و امکانات آموزشی را پنحو یکسان در دسترس توده‌ها قرار دهد. در متن این دگرگونی انقلابی، مدارس خصوصی، وسیله ناجوری بود که می‌بایست هرچه زودتر برچیده شود، و چنین نیز شد.

یافت تاسف، ولی واقعیت است که اکنون آقای دکتر سبحانی به نفع آن اقتدار و طبقاتی سخن میگوید که نمیخواهند فرزندان نازیر و درشان در کنار فرزندان کارگران و دهقانان و کارمندان، در یک مدرسه، در یک کلاس، بر روی یک نیمکت و زیر نظر یک معلم تحصیل کنند. اینان برای خود طالب امتیازند و میخواهند به بهای بیسودی میلیونها کودک، فرزندان آنها در مدرسه یک یا دو زبان خارجی بیاموزند، میخواهند در جامعه‌ای که کادر آموزشی مجرب به اندازه کافی ندارد، آنچه دارد در خدمت آموزش فرزندان آنان باشد. اینان هنوز به انقلاب یاور نکرده‌اند و نمیخواهند بفهمند که در کشور انقلاب شد، تا دیگر فرزندان کارگران و دهقانان و کارمندان، بیسواد نمانند، دستشان از مدرسه و دانشگاه کوتاه نباشد، یکنواختی و همسانی در آموزش عمومی پدید آید و همه امکانات در یک کاسه ریخته شود و در دسترس همگان قرار گیرد.

آقای دکتر باهنر، وزیر آموزش و پرورش، در تأیید این ضرورت میگوید:

«ما گفتیم باید نیروی جوان در جهت توزیع عادلانه امکانات باشد... ما نمی‌توانیم دیگر با چشم خاصی به کسی نگاه کنیم. تبعیض‌ها را از بین می‌بریم و اینکه یک مدرسه ملی برای هر دانش آموز ۸ متر

مربع مساحت، ولی یک مدرسه دولتی ۶۵ سانتیمتر برای یک دانش آموز مساحت داشته باشد... بنابراین امکانات وسیعی که در اختیار عده معدودی بود، در اختیار همه قرار میگردد. در واقع پیش بسوی توزیع عادلانه امکانات آموزشی برای همه».

و این سخنان درست، درست‌ترین منطق هر انقلاب مردمی است که امتیازات ناحق را مردود میشمارد و طرحی نو بر پایه عدالت و برابری درمی‌اندازد.

آقای دکتر سبحانی مدعی است که: «بهره صحیح از دولتی شدن مدارس ملی گرفته نشده است». و در اثبات این دعوی، دلایل زیرین را ارائه میکند:

۱- وسایل تحصیلی مجبور در آن مدارس، بلااستفاده مانده است، فرزندان جنوب شهر را در مدارس مجبور دولتی شده شمال شهر راه نیست و این برخلاف شماره‌است.

۲- انحلال مدارس خصوصی، امری به نفع مستضعفان نیست، بلکه بنفع توانگران است، زیرا دیگر شهریه پرداخت نمی‌کنند.

اما هیچیک از دلایل فوق، پایه محکم و منطقی ندارد. ممکن است، طبق ادعای آقای دکتر سبحانی، در مدارس دولتی شده، وسایل تحصیلی مجبور بلااستفاده مانده باشد، ولی این نه به آن دلیل است که دولتی کردن مدارس خصوصی کار نادرستی بوده، بلکه از آن جهت است که انقلاب هنوز در آغاز راه است و در این آغاز راه، تاگزیر با نارسائیه، نام آهنکی‌ها و نقائص روبرو است. نباید این نارسائیه، نام آهنکی‌ها و نقائص، اصول و قوانین انقلاب را نفی کند، بلکه وظیفه هر عنصر انقلابی آنست که اصول انقلاب را بپذیرد و برای رفع نارسائیه و ایجاد هماهنگی‌ها تلاش ورزد.

این ادعا که فرزندان جنوب شهر را به دلیل بعد مسافت، به مدارس شمال شهر راه نیست و بنابراین رفع اختلاف طبقاتی نشده، ادعائی درست نیست. برای تحقق اصل «توزیع عادلانه امکانات آموزشی» نباید چنین پنداشت که حتماً کودکان جنوب شهر باید مسافتانی طی طریق کنند و به مدارس شمال شهر بیایند، بلکه باید با تعدیل شکاف طبقاتی و عرضه خدمات بطور برابر، این فاصله وحشتناک میان شمال و جنوب شهر از میان بریزند و بشندید و طی زمان، تعادل لازم در فضای آموزشی، امکانات تحصیلی و غیره پدید آید و به تدریج و طی زمان همان مدارس جنوب شهر از امکانات مدارس شمال شهر بهره‌مند شوند. فزون بر این، در تهران این شهر عجائب، که مغفولترین مناطق و منازل مسکونی، به‌طور به پهلوی مدن‌ترین آن ایستاده‌اند، آن دیوار چین میان شمال و جنوب شهر وجود ندارد که مستکبران در یکسوی آن و مستضعفان در سوی دیگر بس برند. در شمال شهر، در کنار زیباترین باغها، ویلاها و مجتمع‌های مسکونی، محله‌های فقیرنشین، کومه‌های توسری‌خورده و زائغه‌هایی در دل زمین احداث شده‌اند، که محل سکونت مستضعف‌ترین مستضعفین، یعنی کارگران ساختمانی، سفال فروش‌ها و آدامس و سیگار فروش‌ها است، که سرپناهی با گل و خشت برای خود بنا کرده‌اند. چنین است در داوید، چنین است در قیطره و چنین است در پاره‌های دیگر از مناطق شمال شهر تهران. اینان همان جنوب شهریها و روستائیان آواره‌ای هستند که اگر بتوانند کودکانشان را به مدرسه بفرستند، مسلماً

جای فرزندانشان همان مدارس شمال شهر است، که محل سکونت آنهاست و دیگر از آنان شهریه‌های چندین هزار تومانی مطالبه نمی‌شود.

اگر امروز فرزندان خانواده‌های مرفه، شهریه نمی‌پردازند، نباید چنین تمیز شود که «انحلال مدارس خصوصی بسود توانگران است»، زیرا اولاً آنها آن شهریه‌های گزافی را در قبال امتیازات ویژه می‌پرداختند، حالا آن امتیازات را ندارند و پول هم در قبال آن نمی‌پردازند. ثانیاً با دگرگونی در سیستم مالیاتی و افزایش مالیاتهای مستقیم، باید توانگران را واداشت تا دین خود را بجامه بپردازند.

تردید نیست که در کار وزارت آموزش و پرورش نقائص وجود دارد که امیداست با انتخاب وزیر جدید، در رفع نقائص کوشش جدی بعمل آید. معلمان پاکسازی شده‌اند که سزوار ابقا بوده‌اند، کسانی در مشاغل خود باقی مانده‌اند که باید پاکسازی شوند. میتوان برای جبران کمبود کادر آموزشی، از وجود معلمان حق‌التدریس مومن به انقلاب استفاده کرد و جاهای خالی را پر نمود. میتوان همه معلمان قدیمی با تجربه راه، که وابستگی به رژیم طاغوت نداشته‌اند، در کار خود ابقا کرد. اما هیچیک از این نقائص ضرورت دولتی کردن مدارس خصوصی را نفی نمی‌کنند.

در پایان آقای دکتر سبحانی تعطیل «آموزشگاههای ملی» را کام گذاردن در راهی میدانند که آموزش را در مدارس ما به وضعی خواهد انداخت که «مارکسیست‌ها» طالب آنند!

برای مخالفت با دولتی کردن مدارس خصوصی و دفاع از ابقاء سرمایه‌داری لاقط در بخشی از آموزش و پرورش ظاهراً این «شاه استدلال» و آخرین «تک‌خال» است! البته چنین برخوردی تاگزینی ندارد، برای تخطئه یک سیاست درست و مدافعان یک سیاست درست، کادر فراوانی کوشیده‌اند و میکوشند که از پرچب «مارکسیسم» - مارکسیسمی که بشکل «لورخوخوره» درست کرده‌اند استفاده کنند.

در آنچه که مربوط به مارکسیست‌هاست باید گفت که آنها طالب چیزی جز عدالت، برابری و تأمین یک زندگی انسانی برای توده‌های محروم نیستند، اگر دولتی کردن مدارس خصوصی کامی در این راه است، که هست، نسبت دادن این امر به مارکسیست‌ها که آنها از منافع خلق زحمتکش دفاع میکنند، افتخاری برای مارکسیست‌هاست. از اینکه بگذریم، همه کس میدانند که یکی از خواستهای توده‌های مردم ما، یکی از اهداف انقلابی که توسط همین مردم انجام گرفته، یکی از اصول قانون اساسی که مورد تصویب همین مردم قرار گرفته و خواست همین مردم را منعکس ساخته، از بین بردن آموزش طبقاتی و ایجاد امکان آموزش برای همه است. همانینها را «مارکسیست» دانستن، بهمان اندازه بیمنی است که مخالفت با خواست مردم و هدف انقلاب و قانون اساسی، آنها از جانب یک نماینده مجلس شورای اسلامی ایران، حداقل سؤال‌انگیز!

در پایان بر این واقعیت هم باید یاد دیگر تاکید کرد که آن مردمی که انقلابی چنین بزرگ را به پیروزی رسانده‌اند، نشان داده‌اند که برای حفظ و پیشبرد انقلاب بزرگ خود، از شیطان بزرگ هم هراسی بدل نمیدهند، چه رسد به برچسب!

زمینه تشنج در مدارس خرم‌آباد را از بین ببرید

و پرورش این استان رژیرو شد. همچنین روش مدیرکل این استان در مدارس سبب شده‌است که ضدانقلاب سوء استفاده کند هسیتیه، تا زمینه تشنج در این وجو مدارس را متشنج نماید. مسافین هشدار به مسئولین آباد از بین برود.

اعتراضات معلمان تصفیه شده و خانواده‌های آنان در سطح استان خرم‌آباد، با عکس‌العمل ناصحیح و ناسنجیده مدیر کل آموزش و پرورش این استان العمل ناسنجیده مدیرکل آموزش

کشیدند. در این عملیات تعداد کشته‌های دشمن ۲ تن، زخمی‌های مزدوران صدام ۳۰ تن بوده‌است. به گزارش خبرگزاری پارس از کرمانشاه، نبرد در غرب کشور بصورت توپخانه و نه رویارویی نزدیک و آرامتر از روزه‌های گذشته گزارش شده است. صدای جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد: «بر پایه گزارشهای رسیده از سرپل‌ذهاب و ریجاب در پی حملات گماندوهای عراق به ماوران زاندامری در منطقه ریجاب، برائرس ضدحمله ماوران زاندامری به واحد کماندوئی عراق، برادران زاندامر تا قاپ

آیا سوسیالیسم، سرمایه‌داری دولتی است؟

سوسیالیسم علمی، از زمان پیدایش تاکنون، با طیف وسیعی از انواع و اقسام مخالفت‌های فکری و فیزیکی، تحریف و توهین، اتهام و ناسزا روبرو بوده است. یکی از انواع این مخالفت‌ها به شکل انکار اختلافات بنیادی و حد و مرز مشخص بین دو نظام اجتماعی سرمایه‌داری و سوسیالیستی صورت گرفته است. مروجین رنگارنگ این‌گونه "نقد" سوسیالیسم علمی سخت کوشیده و می‌کوشند به اصطلاح به اثبات برسانند که گویا چندان اختلافی هم بین سرمایه‌داری و سوسیالیسم وجود ندارد. سوسیالیسم همان سرمایه‌داری است، که شکل دولتی گرفته است، یا در بهترین صورت، همان سرمایه‌داری انحصاری دولتی است و غیره...

این عقیده (انکار مرز مشخص بین دو نظام اجتماعی) مورد بهره‌برداری راست‌ترین تا "چپ‌ترین" نیروها و محافل اجتماعی کنونی در مبارزه علیه سوسیالیسم علمی قرار گرفته است. دست راستی‌ها از این عقیده چنین نتیجه می‌گیرند: پس چرا باید به انقلاب، که در هر حال با تلفات انسانی و ضایعات مادی و مهنوی همراه است، دست زد؟! "چی‌ها" هم با "استناد" به همین عقیده می‌گویند: این سوسیالیسم علمی، که از انحصار شوروی گرفته تا ویتنام و کره شمالی در شرق و کوبا در غرب کره خاکی ما واقعیت یافته است، سوسیالیسم نیست و لذا در این کشورها (جالب است که در نظر آنها باید در نوبت اول در این کشورها) "انقلاب" (یعنی در واقع ضد انقلاب) رایج شده است.

آشکار دیده می‌شود که در این جا راست و "چپ"، چون دو جهت یک پدیده واحد، یعنی ضد انقلاب، به صورت دو دست یک شخصیت یگانه، یعنی مستکبر استعمارگر، عرض‌انداز می‌کنند.

ببینیم آیا سوسیالیسم، سرمایه‌داری دولتی است، یا واقعا اختلافات بنیادی و حد و مرز مشخص بین دو نظام اجتماعی سرمایه‌داری و سوسیالیسم وجود دارد؟

از نظر تاریخی چنین است که نظام سرمایه‌داری در نتیجه انقلاب‌های بورژوازی، بازم بین بردن مناسبات فئودالی (ارباب - رعیت) تولید، به خاطر حاکم ساختن مناسبات سرمایه‌داری تولید بوجود می‌آید. در صورتی که سوسیالیسم در نتیجه انقلاب‌های کارگری و سوسیالیستی (انقلاب کبیر سوسیالیستی) و پس از جنگ جهانی اول و انقلاب‌های سوسیالیستی در عده‌ای از کشورهای آسیا، اروپا، آمریکا و آفریقا پس از جنگ جهانی دوم، با محور مناسبات سرمایه‌داری تولید و استقرار مناسبات سوسیالیستی تولید بوجود می‌آید.

اساس اقتصادی نظام سوسیالیستی را لغو مالکیت خصوصی بر وسایل عمده تولید و استقرار حاکمیت اجتماعی بیروائل عمده تولید تشکیل می‌دهد، که دو شکل عمده آن: مالکیت دولتی، یعنی مالکیت همگانی خلق، و مالکیت تعاونی و جمعی (مثلا "کوخوزی" در اتحاد شوروی) است. در صورتی که اساس اقتصادی نظام سرمایه‌داری را مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و بهره‌کنی انسان از انسان تشکیل می‌دهد.

قانون اصلی تولید سرمایه‌داری کسب اضافه ارزش است. تضاد اصلی سرمایه‌داری، که تضاد بین خصلت اجتماعی تولید و شکل خصوصی تضاد بین طبقات اصلی جامعه سرمایه‌داری، یعنی بولژوازی و بورژوازی، بورژوازی می‌کند. هرج و مرج تولید، بحران‌های دوره‌ای، بیکاری مزمن، فقر توده‌ها، رقابت و جنگ از مشخصات نظام سرمایه‌داری است.

قانون اصلی تولید سوسیالیستی تامین هرچه بیشتر نیاز مندیهای مادی و معنوی دائم‌التزاید خلق است. این امر، از طریق اداره آگاهانه امور اجتماع، طبق نقشه واحد و جامع، که همه رشته‌های نظام تولید مادی و معنوی را تنظیم می‌کند، پیاده

می‌شود. و این چیزی است که در سرمایه‌داری، به سبب وجود مالکیت خصوصی بر وسایل تولید رقابت، که زاینده آن است، میسر نیست. شرط اصلی سیاسی در نظام سوسیالیستی سرنگونی حاکمیت بورژوازی (و دیگر طبقات استعمارگر) و استقرار حاکمیت طبقات زحمتکش است، که تاریخ دو شکل عمده آن را نشان داده است: دیکتاتوری بولژوازی (که در نتیجه انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثریت در اتحاد شوروی تحقق یافت و در تکامل بعدی خود به دولت همه خلق مبدل شده است) و دمکراسی خلقی (توده‌ای) که در کشورهای سوسیالیستی دیگر، پس از جنگ جهانی دوم، پیاده شد. در صورتی که شرط اصلی سیاسی در نظام سرمایه‌داری، استقرار حاکمیت بورژوازی (اغلب با شرکت دیگر طبقات استعمارگر) است. برابری سیاسی ظاهری و رسمی که اندیشمندان و دولتمردان بورژوازی اعلام می‌کنند، برابری اقتصادی موجود در جامعه سرمایه‌داری از بین می‌رود و همه ماشین دولتی به نحوی ساخته می‌شود که توده‌های زحمتکش را از زندگی فعال سیاسی دور دارد.

زندگی جامعه سوسیالیستی بر پایه دمکراسی وسیع، جلب زحمتکشان با شرکت فعال در اداره امور دولتی بنا می‌شود. از این رو، دمکراسی سوسیالیستی، هم حقوق اجتماعی، مانند حق کار، استراحت، آموزش و بهداشت همگانی مجانی، تا مین در بربری حقوق برابر برای زن و مرد، برای شهروندان همه ملیت‌ها و نژادها، هم آزادی‌های سیاسی، مانند آزادی بیان، قلم، مطبوعات، اجتماعات، حق انتخاب شدن و انتخاب کردن را تامین و تضمین می‌کند.

نتایج اجتماعی بنیادی که از شرایط و اصول عمده فوق‌الذکر به دست می‌آید، در نظام سوسیالیستی قبل از هر چیز از میان رفتن طبقات استعمارگر و لغو بهره‌کنی انسان از انسان است. در صورتی که در نظام سرمایه‌داری یک طبقه استعمارگر (بورژوازی شهر و روستا) جای طبقه دیگر استعمارگر (فئودال‌ها، خانها، اربابان و زمین‌داران بزرگ) را می‌گیرد و نوعی بهره‌کنی (سرمایه‌داری) جای نوع دیگر بهره‌کنی (ارباب - رعیتی) می‌شیند.

در نظام سرمایه‌داری اختلافاتی که در طول تاریخ به تدریج بین شهر و ده، بین کار فکری (ذهنی) و کار جسمی (بدنی) بوجود آمده و رشد یافته است، به حد اکثر می‌رسد و صورت تضاد است اجتماعی به خود می‌گیرد. نظام سوسیالیستی، با لغو مالکیت خصوصی بر وسایل عمده تولید و استقرار حاکمیت سیاسی طبقات زحمتکش، شرایط ضروری و امکانات واقعی برای رفع این تضاد است اجتماعی بوجود می‌آورد و در راه هموار کردن این‌گونه اختلافات اساسی، آگاهانه و از روی نقشه پیش‌بینی شده قدم به قدم پیش می‌رود.

نظام سرمایه‌داری، طی چهارصد سال تاریخ خود، در حل بنیادی مسئله ملی، قومی و نژادی هیچ‌گاه موفق نیافته است. (وضع سیاهان در آمریکا، در آفریقای جنوبی، زدو خورد های ملی در اسپانیا (باسک)، در انگلستان (ایرلند)، در کانادا و غیره) چون حل بنیادی این مسئله خود تابعی از حل مسئله طبقات اجتماعی و مناسبات آنهاست.

در نظام سرمایه‌داری با طبقات متخاصم آن (کارگر و سرمایه‌دار، دهقان تبهی دست و زمین‌دار بزرگ) مبارزه طبقاتی یک قانونمندی عینی و نیروی محرکه اجتماعی است. در نظام سوسیالیستی که طبقات استعمارگر و متخاصم جای خود را به طبقات دوست و همکار (زحمتکشان شهر و روستا و روشنفکران خلقی) می‌دهند، برای حل بنیادی مسئله ملی شرایط ضروری ایجاد می‌شود و دوستی خلق‌ها، همکاری و همیاری برادرانه ملت‌ها به قانونمندی عینی و نیروی محرکه پیشرفت اجتماعی مبدل می‌گردد.

سرمایه‌داری انحصاری) و پیدایش شرکت‌های ماوراء ملی و چند ملیتی، مدافعی نظام سرمایه‌داری صحبت از "بین‌المللی شدن سرمایه" به میان آوردند. اما به زودی معلوم شد که این نوع شرکت‌ها به آسانی از زیر نظارت دولت بیرون می‌روند. در پی سود حداکثر به استراتژی اقتصادی کشور زیان وارد می‌کنند، توازن پرداختها را مختل می‌سازند، روی ساختار اقتصادی تاثیر منفی باقی می‌گذارند، در بودجه دولتی و سیاست قیمت‌ها موثر واقع می‌شوند. به همین سبب نیز نظریه اقتصاددان بورژوازی انگلستان کینز (در باره به اصطلاح "سرمایه‌داری تنظیم شده" توسط دولت) به کلی غلط از آب درآمد. اقتصاددان متمدنی شیلی فاسیو نشان داده است که چگونه زیر همین پوشش ظاهر فریب "بین‌المللی شدن سرمایه"، در عرض مدت چهار سال (۱۹۷۸-۱۹۷۴) تنها به حساب ربح اعتبارات، مبلغ ۳۵/۱ میلیارد دلار ثروت آمریکای جنوبی از این قاره به غارت برده شده است، که چندین برابر کل سرمایه‌گذاری پیاده شده در همین دوره بوده است. "منقدین" می‌گویند که سوسیالیسم سرمایه‌داری دولتی است، و یا سرمایه‌داری انحصاری دولتی است. لیکن سرمایه‌داری دولتی و سرمایه‌داری انحصاری دولتی در هر حال شکل‌های مختلف سرمایه‌داری هستند، که با ویژگی‌های زیر مشخص می‌شوند:

۱- تبدیل اقتصادهای جداگانه سرمایه‌داری خصوصی به اقتصادهای دولتی،

۲- برقراری نظارت معین دولت بر زندگی اقتصادی. ولی هیچ‌یک از این دو ویژگی، مشخصات اصلی و کلی سرمایه‌داری را تغییر نمی‌دهند. از مالکیت خصوصی بر وسایل تولید، بهره‌کنی انسان از انسان، تضاد بین خصلت اجتماعی تولید و شکل خصوصی تضاد سرمایه‌داری شمره تولید گرفته، تا تضاد بین شهر و ده، بین کار فکری و جسمی، اختلافات و تنازعات قومی، ملی و نژادی و غیره، همه و همه این خصائص به این دو شکل سرمایه‌داری نیز مربوط می‌شوند.

البته از لحاظ تاریخی، در مرحله پیش از سرمایه‌داری انحصاری (تا اواخر قرن ۱۹) سرمایه‌داری دولتی به تدریج روند تجدید تولید سرمایه‌داری در خدمت می‌کرد (در بعضی کشور های کم‌رشد کنونی نیز می‌توان به این حالت برخورد کرد). در دوران امپریالیسم، سرمایه‌داری انحصاری دولتی بوجود می‌آید که خصوصیت عمده آن پیوند بزرگ‌ترین انحصارات با دستگاه دولتی بورژوازی است. سرمایه‌داری انحصاری دولتی بالاترین پله اجتماعی شدن تولید در جامعه طبقاتی، در نظام سرمایه‌داری است. از نقطه نظر همین "بالاترین پله اجتماعی شدن تولید" است که لنین سرمایه‌داری انحصاری دولتی را "کامل‌ترین تدارک مادی سوسیالیسم" می‌نامد (تأکید از لنین است). به عبارت دیگر:

اولا این تدارک سوسیالیسم است، نه خود سوسیالیسم. ثانیا این تنها تدارک مادی سوسیالیسم است، و سوسیالیسم تدارکات دیگر سیاسی، اجتماعی، اندیشه‌ای و غیره نیز دارد.

سرمایه‌داری انحصاری دولتی مرحله رشدی متمایز از امپریالیسم نیست. و برخلاف آنچه بعضی "منقدین" ادعا می‌کنند، به معنای "قارویی مسالمت آمیز سرمایه‌داری به سوسیالیسم" نیست، زیرا طبیعت سرمایه‌داری را عوض نمی‌کند. تضاد بین کار و سرمایه را مرتفع نمی‌سازد، رقابت، هرج و مرج تولید، بحران‌های اقتصادی، تورم بول، بیکاری مزمن و... را از بین نمی‌برد. در سمبوزیوم بین‌المللی، که سال گذشته به بررسی بعضی ویژگی‌های گسترش امپریالیسم در دوران حاضر مشغول بود، محقق انگلیسی راملسون نشان داد که مجتمع‌های غول‌آسای انحصاری باجه سرعت زیادی رشد می‌کنند: ۵۰ درصد از کل محصول صنایعی را که پیش از جنگ جهانی اول تقریباً ۲ هزار موسسه تولید

می‌کرد، اکنون کمتر از ۱۵۰ کارخانه تولید می‌کند. در سال ۱۹۷۵ در انگلستان ۴۱ درصد در آمریکا ۳۳ درصد از محصول خالص سالانه را فقط ۱۰۰ موسسه کلان تولید می‌کردند.

محقق آمریکایی پیتمان به فعالیت تقریباً ۱۵ میلیون موسسه مختلف در آمریکا اشاره کرده گفت: مدافعیین سرمایه‌داری، آمریکا را "بهشت رقابت آزاد" قلمداد می‌کنند. در صورتی که نقش حاکم در زندگی اقتصادی آمریکا را فقط ۱۰۰ انحصار غول آسا بازی می‌کنند. این مجتمع‌های عظیم صنعتی - مالی و صنعتی - نظامی اند که سمت عطرکرد سیاسی و نظرات سیاست خارجی و واشنگتن را تعیین می‌کنند. در عین حال این دو رقم، یعنی ۱۵ میلیون موسسه مختلف در کنار ۱۰۰ مجتمع غول آسا، بار دیگر صحت و دقت گفته لنین را در باره مهم‌ترین خصوصیت ماهوی امپریالیسم معاصر تایید می‌کند که

"مهم‌ترین خصوصیت ماهوی امپریالیسم معاصر را نه "انحصارات خالص"، بلکه انحصارات در کنار مبادله، بازار، رقابت و بحران‌ها تشکیل می‌دهد." (کلیات، جلد ۲، ص ۱۴۵)

سرمایه‌داری انحصاری دولتی به عوض تحکیم سرمایه‌داری، آن را متزلزل می‌کند، تضادهای اصلی و درونی آن را عمیق‌تر و شدیدتر می‌کند، محور کامل آن را نزدیک می‌کند. به همین سبب نیز سرمایه‌داری دولتی در کشورهای کم رشد، را، که می‌تواند در آنجا نقش معین متمدنی ایفا کند و به اعتدالی اقتصادی و تحکیم استقلال ملی کمک کند، باید از سرمایه‌داری انحصاری دولتی (امپریالیسم) که استعمار زحمتکشان را تشدید می‌کند، جنبش‌های کارگری و نهضت‌های رهایی بخش ملی را سرکوب می‌کند و... کاملاً تمیز داد.

در ارزیابی سرمایه‌داری دولتی در این یا آن کشور، باید در نظر گرفت که به سود چه نیروی اجتماعی از آن استفاده می‌شود: به نفع انحصار-ها یا به سود خلق. در شرایطی که حاکمیت سیاسی در دست زحمتکشان است و سرمایه‌داری دولتی ساختار اقتصادی عمده و برتر نیست، این سرمایه‌داری دولتی مضمون دیگری کسب می‌کند، زیرا تحت نظارت طبقه کارگر قرار می‌گیرد و برای ترقی تولید بزرگ مورد استفاده واقع می‌شود. به همین علت است که لنین می‌گوید: گذار به جامعه نوین از طریق سرمایه‌داری دولتی نیز ممکن است، به شرط آن که قدرت سیاسی در کشور در دست طبقه کارگر باشد.

سرمایه‌داری دولتی را نباید با هر گونه مداخله دولت در امور اقتصادی در یک ردیف گذاشت. تجربه خیلی از کشورهای در حال رشد (الجزایر، لیبی، سوریه، آنگولا، اتیوپی و غیره) نشان داده و پژوهش‌های علمی به نیت رسانده است که نمی‌توان گفت بخش دولتی در همه کشورهای در حال رشد، چیزی جز ساختار سرمایه‌داری دولتی نیست. بخش دولتی در این نوع کشورها، که از روابط مالکیت آغاز می‌شود، به همین جا خاتمه نمی‌یابد. معمولاً از طریق ملی کردن عده‌ای از موسسات و رشته‌های تولیدی، از راه تشکیل تعاونی‌ها در رشته‌های دیگر اقتصادی و غیره، دولت مستقیماً نقش "کارفرما" و اغلب "کارفرمای جمعی" را به عهده می‌گیرد. بدین ترتیب بخش اقتصاد دولتی بوجود می‌آید، که به طور عمده موسسات تولیدی متعلق به دولت (صنایع دولتی یا مختلط، کشاورزی و دامداری، بازرگانی، ترابری، ارتباطات و غیره) را در بر می‌گیرد. این بخش، در کشورهای مختلف، شکل‌های مختلف و ویژگی‌های گوناگون دارد. اما از لحاظ روند تاریخی رشد جامعه می‌توان همه این شکل‌ها و ویژگی‌ها را در دو تمایل، با دوست عمده، گروه‌بندی کرد. مبنای اصلی و معیار کلی این گروه‌بندی، نقشی است که دخالت دولت در بازاریابی

مناسبات مالکیت ایفا می‌کند: ۱- اگر دخالت دولت در امور اقتصادی مستقیماً در خدمت تجدید تولید سرمایه خصوصی در مقیاس کل جامعه قرار گیرد، ما با سرمایه‌داری دولتی روبرو هستیم، که جامعه را در راه سرمایه‌داری با همه مشخصات اصلی آن سوق می‌دهد. ۲- اگر دولت با استفاده از موقعیت اقتصادی خود به مثابه "کارفرمای جمعی"، همچنین به وسیله ارگان‌های مدیریت (اداره دولتی) بویژه با تابع کردن کارفرمایان خصوصی، بخش مهم منابع دولتی را نه تنها به رشد تولید، بلکه به قلمرو غیر تولیدی اقتصاد ملی اختصاص دهد، جامعه می‌تواند در راهی غیر از راه رشد سرمایه‌داری پیش رود. در صورتی که قدرت دولتی در دست خلق باشد، محدودیت تدریجی قلمرو فعالیت سرمایه خصوصی و گسترش پیوسته بخش دولتی، به حدی که به عامل اساسی رشد اقتصادی کشور و پایه مادی حاکمیت سیاسی بدل شود، می‌تواند شرایط لازم جهت گذار به جامعه بدون طبقات متخاصم و آزاد از بهره‌کنی انسان از انسان را فراهم سازد. در غیر این صورت، روند لاینقطع اقتصادی تجدید تولید وسیع سرمایه خصوصی ضرورتاً روند اجتماعی تجدید تولید طبقات متخاصم را در پی خواهد داشت و هرگونه تمایل به استقرار عدالت اجتماعی و بنای جامعه بی‌طبقات در بهترین صورت تنها آرزویی خیر-خواهانه باقی خواهد ماند.

سرمایه‌داری در همه اشکال گوناگونش (خصوصی، دولتی، انحصاری) در هر حال سرمایه‌داری است، با همه بلیدی‌ها و فسادهایش، با همه مظالم ملی و اجتماعی‌اش. جامعه بشری جز با حرکتی انقلابی، یعنی تغییر بنیادی و تحولی کیفی نمی‌تواند از سرمایه‌داری خلاص شود. "قارویی سرمایه‌داری به سوسیالیسم" همان قدر بی‌معناست که یکان قلمداد کردن این دو صورت بندی اقتصادی - اجتماعی و انکار اختلافات اساسی و حد و مرز مشخص بین آنها. سرمایه‌داری که در قرن ۱۶ میلادی بوجود آمد، در گسترش جامعه نقش متمدنی ایفا کرد و به نحوی قابل توجه میزان بهره‌دهی کار را نسبت به فئودالیسم بالا برد. اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ سرمایه‌داری به مرحله عالی و آخر خود امپریالیسم قدم گذاشت، که با تسلط انحصارات و الیگارش (حاکمیت گروه کوچک مالی مشخص می‌شود. در این مرحله، سرمایه‌داری انحصاری دولتی به شدت گسترش می‌یابد، که نظامی‌گری و پیوند قدرت انحصارات با نیروی دولتی را به طرز بی‌سابقه تشدید می‌کند. این نخستین جنگ جهانی و پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر، بحران عمومی سرمایه‌داری آغاز شد. جنگ جهانی دوم و انقلاب‌های سوسیالیستی در یک سلسله از کشورهای جهان، دومین مرحله این بحران عمومی را نشان داد. از نیمه دوم سال‌های ۵۰ قرن ۲۰ میلادی، مرحله جدید بحران عمومی سرمایه‌داری آغاز شد. خصوصیت این مرحله جدید این است که با جنگ جهانی بستگی ندارد، بلکه با شروع تغییر تناسبات در صحنه بین‌المللی، گسترش بی‌سابقه جنبش‌های رهایی بخش ملی و ضد امپریالیستی، اضمحلال سیستم استعماراتی امپریالیسم و... مربوط است. حداکثر فساد سرمایه‌داری در عده‌ترین کشور سرمایه‌داری معاصر، آمریکا، بروز می‌کند. سرمایه‌داری معاصر به خصم منافع حیاتی و مساعی متمدنی همه بشریت مبدل شده است. به همین دلیل گفته‌اند: با سرمایه‌داری "دوران ماقبل تاریخ بشر" به پایان می‌رسد. با سوسیالیسم بشریت به بنای آگاهانه همه خلق‌ها، علی‌رغم تلاش‌های مدافعیین رنگارنگ نظام سرمایه‌داری، نقش شایسته خود را در ساختن جامعه آزاد از هرگونه ستم ملی و اجتماعی ایفا می‌کنند.

کارگران بخاری ساز:

این جنگ از طرف امریکابه ما تحمیل شده است

با شروع فصل زمستان یکی از ضروریترین وسایلی که باید تهیه شود، بخاری است. اما بخاری سازان، به علت مشکلاتی که دارند، نمیتوانند آنچنانکه لازم است بخاری بسازند و این درحالیست که بازار با کمبود بخاری مواجه است.

به چند کارگاه بخاری سازی تبریز رفتیم و با کارگران آنها به گفتگو نشستیم. حسین عبدالهی، استادکار کارگاه ممتاز، در مورد مشکلات میگوید:

مواد اولیه اصلی ما ورق آهن است. این ورقها را از ژاپن و بلغارستان وارد می کنند و ما آنها را واسطه ها و دلانها و دیگر واردکنندگان آهن و ورق میخریم. این واردکنندگان یک ماه قبل پول آن را از ما میگیرند و بعد از مدتی با قیمتی گرانتر به ما میفروشند. قیمت مواد اولیه بسرعت بالا میرود. سیم برنجی هم پیدانمیشود و ما ناچار از خرده فروشیها میخریم، آنهم با قیمت هر کیلو ۷۰ تا ۸۰ تومان، که قبلا آنها را کیلویی ۲۸ تا ۳۵ تومان میخریدیم. در مقابل این کمبودها و مشکلاتی که داریم، امسال مشکل دیگری نیز بر مشکلات ما افزوده شده و آنهم به علت جنگ رژیم عراق با ملت ایران است که باعث کمبود نفت و در نتیجه رکود بازار بخاریهای نفتی است. مثلا امسال به علت کساد بازار، من ناچار شدم فقط یک کارگزار ۴ کارگری را که در سابق اینجا کار می کردند، نگاه دارم. البته یکی از این کارگران خودش به جبهه جنگ رفته است.

به کارگاه سولمازمیرویم و با مسئول کارگاه، هاشم زینالی، به صحبت می نشینیم.

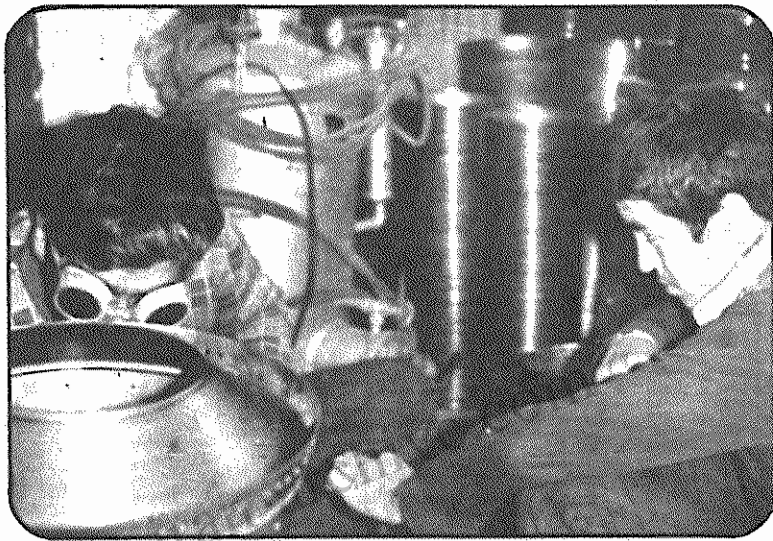
کارگاهها بیمه نیستند و ما هم نمیتوانیم اینکار را بکنیم. این مسئله برای ما خرج گزافی در بردارد.

بعضی از کارگران این کارگاه مزدی کمتر از حداقل دستمزدهای مصوب وزارت کار و بیمه اجتماعی دریافت می کنند. هاشم زینالی در این مورد میگوید:

"بعضی از این کارگرها در کارشان حرفه ای نیستند و تازه به این کار وارد شده اند و نمیتوان دستمزد یک کارگر ماهر را به آنها داد." وی در مورد بهتر شدن شرایط کار و بالا رفتن تولید میگوید:

بارفع کمبود مواد اولیه. مشکلات بخاری سازها را می توان حل کرد

است و ۴ ماه است در این کارگاه کار می کنند و روزانه ۴۵ تومان دستمزد می گیرند. وی در مورد مشکلاتش چنین میگوید: "مشکل اصلی ما کمی دستمزد است. به این دستمزد، کارگری



کارگران: با ملی کردن بازرگانی خارجی، بار سنگینی از دوش زحمتکشان برداشته میشود.

که زن و بچه داشته باشد، نمیتواند تا مین معاش کند. دولت باید برای تامین مستضعفان و برای کوتاه کردن دست سرمایه داران، کارخانه ها را ملی کند و برای کوتاه کردن دست واسطه ها و دلان از دسترنج زحمتکشان، باید بازرگانی خارجی ملی شود.

وی در مورد جنگ تجاویزی رژیم صدام علیه ایران میگوید: "این جنگ از طرف رژیم صدام حسین بر ما تحمیل شده است، که فقط به نفع امپریالیسم و صهیونیسم است و ما آتش بس را نخواهیم پذیرفت، تا اینکه آنها به سر جای اول خود برگردند."

با کارگرد دیگری به نام محمدعلی عزتی، دبیر، که یک ماه ونیم است در این کارگاه کار می کند، صحبت می کنیم. محمدعلی در مورد مشکلاتش میگوید:

"از آنجائیکه دولت در حال حاضر کسی را استخدام نمی کند، من هم ناچارم با روزی ۴۵ تومان در اینجا کار بکنم. دولت باید فکری جدی برای دیپلمه های بیگاری بکند و آنها را در کارهای تولیدی و صنعتی و کشاورزی جذب کند و با آنها راه روستاها را برای انجام خدمات بهداشتی و آموزشی اعزام دارد."

وی در مورد جنگ تجاویزی رژیم صدام علیه ایران میگوید: "صدام وابسته به امپریالیسم است و به دستور امپریالیسم آمریکا به کشور ما حمله می کند و همه ما، از هر ایدئولوژی و مرامی که داریم، باید بر علیه تجاویز نظامی بیگانه متحد و یکپارچه عمل

"من فکر می کنم دولت باید واردات و صادرات کالاها را در دست بگیرد و کارخانه ها را در اختیار داشته باشد. چون این کار هم به نفع کارگران است و هم به نفع دولت، می بینید که اگر یک کارگر دوازده ساله شود و سرکار نیاید، پولی



نخواهد گرفت. ولی اگر کارخانه و کارگاهها در دست دولت باشد آنوقت کارگر اگر مریض هم شود، مطمئن خواهد بود که از مزایای دولتی برخوردار است حقوق خود را میگیرد و اجراج نخواهد شد." در مورد تجاویز رژیم صدام نیز اضافه می کند: "این جنگ تحمیلی است و ما باید بجنگیم، چون این جنگ از طرف آمریکا به ما تحمیل شده است." با یکی دیگر از کارگران این کارگاه صحبت می کنیم. ابراهیم با بازاده تا سال دوم دبیرستان تحصیل کرده

وی درباره مشکلات کارچنین میگوید: "از جمله مشکلات بعد از انقلاب، گرانی و کمبود مواد اولیه است. قیمت اجناس حداقل ۵۰٪ افزایش یافته است. مثلا ورق روغنی را قبلا ۴۰ ریال می خریدیم، ولی حالا ۷۰ یا ۸۰ ریال میخریم، و با ورق سیاه را قبلا ۷۰ ریال می خریدیم، ولی حالا ۹۰ ریال شده است و لوله برنجی هم پیدا نمی شود." وی سپس اضافه می کند: "ما دستمزدها را بر اساس میزان تعیین شده وزارت کار می پردازیم. کارگران اینگونه

سندیکای کارگران کتابفروش:

باید تمام کارگران کتابفروش بیمه شوند!

تاخیر نماینده موضوع بخشود؟ حق بیمه همان ماه منتفی بوده و از لحاظ میزان حق بیمه، برای آن ماه، مکلف به پرداخت حق بیمه مقرر در ماده ۲۸ قانون (۲۷٪) و خسار موضوع ماده ۹۸ و ۱۰۵ قانون خواهند بود.

۳- کارفرمایانی که حق بیمه کارگران خود را از تاریخ ۱۳۵۸/۱/۱ تا کنون پرداخت ننموده اند، موظفند حق بیمه مربوطه را ظرف ۶ ماه از تاریخ ۱۳۵۹/۷/۱۲ استفاده از نرخ اخیر پرداخت نمایند چنانچه ظرف مدت مذکور حق بیمه معوقه را پرداخت نمایند از لحاظ پرداخت حق بیمه خسارت مربوط، مشمول مقررات کلی قانون تامین اجتماعی (نرخ ۲۷٪ و سایر خسارتهای خواهند بود. بدیهی است در صورتی که برخی از کارفرمایان حق بیمه کارگران خود را از تاریخ ۱۳۵۸/۱/۱ به بعد بر اساس نرخ ۲۷٪ پرداخت نمود باشند، ما به التماس حق بیمه پرداختی آنان محاسبه و به حساب بستانکار کارگاه برای ماه های آتی منظور خواهد گردید. ما از کارگران صنف خود

سندیکاهای کارگران کتابفروش و انبارها، مربوطه طی اطلاعیه ای به تاریخ ۵۹/۸/۲۶ میگویند: "درود به تمام شهدای جبهه خونین جنوب و غرب کشورمان! درود به کارگرانی که در صفوف مقدم جبهه در کنار یاران رزمنده خویش در جنوب و غرب خونین مین مان با تمام نیروی خویش از استقلال و آزادی و جمهوری اسلامی ایران دفاع می کنند و در این مقطع از زمان، که آمریکا جهانخوار و جنایتکار به وسیله رژیم فاشیستی و ضد مردمی بعث عراق می خواهد به انقلاب اسلامی ما ضربه بزند، از نثار جان خویش برای پیروزی انقلاب درخشان نمی نمایند."

درود به تمام کارگرانی که در پشت جبهه برای پیروزی انقلاب اسلامی و شکست محاصره اقتصادی آمریکا در کارخانه ها و کارگاهها به تولید بیشتر مشغول می باشند تا پروژه آمریکای جنایتکار و رژیم فاشیستی عراق را به خاک بمالند.

دوستان کارگر!

شورای عالی تامین اجتماعی در جلسه مورخ ۱۳۵۹/۷/۱۲ راجع به بخشودگی قسمتی از حق کارگران (بیمه شدگان) و کارفرمایان کارگاههای کوچک صنفی که شامل صنف ما (کتابفروشی) نیز می شود لایحه ای تصویب کرد، که به اطلاع شما کارگران می رسانیم، تا از این پس طبق این قانون، حق بیمه از حقوق شما کسر گردد.

۱- از تاریخ اول فروردین ۱۳۵۸، ۹٪ مجموع حق بیمه به نسبت ۲٪ سهم کارگر (بیمه شده) و ۷٪ سهم کارفرما به طور مشروط بخشوده گردیده است. بدین ترتیب حق بیمه مزدبگیران این اصناف ۱۸٪ خواهد بود که ۵٪ سهم کارگر (بیمه شده) و ۱۳٪ سهم کارفرما می باشد.

۲- کارفرمایان مکلفند صورت مزد یا حقوق، همچنین حق بیمه متعلقه هر ماه را، حداکثر تا آخرین روز دو ماه بعد به سازمان بیمه های اجتماعی ارسال و پرداخت نمایند و چنانچه در تسلیم صورت مزد یا حقوق و پرداخت حق بیمه هر ماه، بیش از دو ماه

کنیم. اسما عییل خیری ۴ سال است در این کارگاه کار می کند و ۴۵ تومان مزد می گیرد و در مورد جنگ تجاویزی رژیم صدام علیه ایران اظهار داشت: "در این شرایط که صدام بیژید به کشور ما حمله کرده است همه وظیفه داریم که با جنگ و دندان از کشور دفاع کنیم و بیشتر کارکنیم و تولید را بالا ببریم."

مقررین ما، یکی دیگر از کارگران نیز، ضمن اشاره به تجاویز نظامی عراق به دستور امپریالیسم آمریکا و تاکید بر وظایف هر ایرانی میهن دوست در دفاع از جمهوری اسلامی ایران، از همه مردم ایران می خواهد که وحدت و همبستگی خود را از هر مسلک و مرامی که هستند، حفظ کنند تا آمریکا نتواند هیچ غلطی بکند.

برای حل مشکلات کارگران و همچنین کارگاههای بخاری سازی باید راه حلها و اقدامهای قاطع و لازم را انجام داد. افزایش

می خواهیم تا اگر حق بیمه از این ماه مثل ماههای قبل، یعنی ۷٪ از حقوق آنها کسر گردید، به کارفرمای خود تصویب این لایحه را تذکر دهند. و کارگرانی که بیمه می باشند، ولی کارفرما حق بیمه را از حقوق آنها کسر و به سازمان تامین اجتماعی پرداخت نمی نماید، به کارفرمای خود تذکر این لایحه قانون و پرداخت حق بیمه به سازمان تامین اجتماعی را بدهند و از کارگرانی که هنوز بیمه نشده اند، میخوایم هر چه زودتر به سندیکا مراجعه کرده تا جهت بیمه شدن آنها اقدام کنیم.

مرگ برای امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا! ناپود باد رژیم جنایتکار و ضد مردمی صدام حسین خائن! کارگران متحد همه چیز کارگران متفرق هیچ چیز! نامه مردم!

ما به کارگران کارگاههای نظیر توصیه می کنیم که مراتب فوق را در نظر بگیرند و برای دفاع از حقوق خود در قبال تعدی کارفرمایان از طریق سندیکاهای خود اقدام کنند.

بیرویه قیمتها پس از پیروزی انقلاب یکی از حیللهایی است که فدائیان انقلاب از آن استفاده می کنند. بالا رفتن قیمتها بر نارضایتیها دامن می زند دولت باید از طریق در اختیار گرفتن سیستم واردات و صادرات کشور در مورد کالاهای ضروری، از افزایش بی رویه قیمتها جلوگیری کند و کالاهای را با نازلترین قیمت در اختیار تولیدکنندگان قرار دهد.

کارگران این کارگاهها نیز طبق ضوابط قانون کار باید مزد دریافت کنند و بیمه شوند. قانون کار حداقل حقوقی را که برای کارگر ساده (کارگری که بدون داشتن کمترین مهارتی نیروی کار خود را در اختیار کارفرما می گذارد) ۳۵ ریال تعیین کرده است، در حالیکه کارمراها بهانه می آورند که کارگر بدون تخصص و مهارت باید کمتر از حقوق تعیین شده بگیرد. ضروری است این قانون بطور کامل و با قاطعیت تمام به اجرا در آید.

دهقانان
مهربان همدان:

ما که برای میهن و انقلاب جان و نان خود را می دهیم

مردمی مهربان در دهستان مهربان (شهرستان همدان) زندگی می کنند ولی تاکنون بر اثر سلطه ظا غوت و فشار بزرگ مالک از مهربانی زندگی بی نصیب بوده اند. ما امروز همراه یکدیگر به چاره ای از این دهستان می رویم تا با زنجیرها و فداکاری ها، گذشته های تاریک و امیدهای تابناک به آینده آشنا شویم و از نزدیک ببینیم این دهقانان تا چه حد برای دفاع از انقلابشان آمادگی دارند و تا چه اندازه ضروری و حیاتی است که بزرگ ترین مسئله آنان - حاکمیت و مالکیت زورگویانه و غاصبانه مالکین بزرگ - حل شود. آنها آماده اند در سنگر جنگ و در کشتزار پشت جبهه هر گونه فعالیتی را انجام دهند. با قرای کتیو - قطار قویسی - سراجوق - چکنلو آشنا شویم:

کتیو

قریه کتیو از دهستان مهربان شهرستان همدان، دارای ۱۳۵ خانوار میباشد که از این تعداد حدود ۱۲ خانوار آن خوش نشین اند. جمعیت این ده به ۶۷۰ نفر می رسد. موقعیت این ده از لحاظ جغرافیایی کوهستانی جلگه ای است، و فاصله آن تا همدان حدود ۷۵ کیلومتر است. مالک این ده در حدود ۱۱۰ هکتار زمین داشته است، دهقانان می گویند وی این ۱۱۰ هکتار را تبدیل به ۸۵ هکتار کرده است و در سند دارای ۸۵ هکتار است. بدین ترتیب که مالک هر روز به ۱۱۰ هکتار زمین خود اضافه می کرده تا این که ۸۵ هکتار را تصاحب نموده است. مالک برای این که بجای ۱۱۰ هکتار زمین ۸۵ هکتار را تصاحب کند گذاشته به دهقانان سند بدهند. دهقانان مصرانه می خواهند که هیئت هفت نفری فکری به حال آنها کند. آنها می گویند: هیئت واگذاری زمین به اینجا آمده و دیگر بازنگشته اند، ما حتی به تهران

رفته و از دست مالک شکایت کرده ایم ولی تا به حال جوابی نشنیده ایم. مالک ده آشکارا تصرف عدوانی و سند سازی کرده و کلیه زمین ها طبق بند ب مال خود دهقانان باید باشد. یکی از دهقانان می گفت اگر زمینها را به نام ما می کردند و سند می دادند حداقل می توانستیم از کمیابین و تراکتور استفاده کنیم ولی چون سند نداریم که بگذاریم گروه به ما اجازه نمی دهند از کمیابین و تراکتور استفاده کنیم. چنانکه از نبودن بذر برای کاشتن روستا فیان بسیار ناراحت هستند، یک مقدار از زمینها نکاشته باقی مانده است. این مطلب نشان می دهد که عمل هیئت ۷ نفری می توانسته مستقیما تا نیر مثبت در تولید داشته باشد. از نظر آب این روستا کمبود دارد و آب برای کشاورزی نیست و دهقانان مجبورند بیشتر دریم کاری کنند. دهقانی می گفت: بعلا کتب زمین و آب حتی ما مجبوریم سبب زمینی و پیاز و یونجه را از شهر خریداری کنیم.

در این قریه یک باب مدرسه وجود دارد که تا کلاس پنجم ابتدایی است و بچه ها برای خواندن درس مجبورند ۱۲ کیلومتر راه بپایند تا به گل تپه برسند و در آنجا به کلاس راهنمایی بروند. وضع عمومی ده بسیار خراب و از لحاظ بهداشتی در مضیقه هستند. اهالی ده به خاطر وضع کنونی و جنگ ایران با رژیم آمریکایی صدام به مقدار یک وانت بار نان و پنیر برای جنگ زده ها کمک کرده اند. همچنین منقذی خدمتان ۵۶ این ده خود را معرفی کرده اند تا به جبهه بروند. دهقانان ده آماده جان بازی در جبهه جنگ و فداکاری در سنگر تولید و کشت بیشتر هستند. آنها از جان و مال و نان خود برای میهن انقلابی خویش مایه می گذارند.

با توجه به وضع حساس جنگی کشور و همچنین وضع خود روستای قریه کتیو، حق است که هر چه زودتر هیئت واگذاری زمین به این ده رفته و کار تقسیم را انجام دهند تا این دهقانان زحمتکش در تولید هر چه بیشتر کوشا باشند. اینجا جزو مناطق مساعد برای فعالیت فوری هیئت است. برجهاد سازندگی این نهاد انقلابی است که به این روستا رفته و نسبت به حفر چاه و راه و حمام برای روستائیان اقدام لازم را به عمل آورند. و نیز اداره کشاورزی استان همدان باید بذر در اختیار این روستائیان بگذارد تا به نایب رهبر گرامی شان امام خمینی در جهت تولید بیشتر لیبیک گویند و درجهاد کشاورزی فعالانه بکوشند و توطئه های آمریکا را یکی بعد از دیگری بشکنند.

قطار قویسی

قریه قطار قویسی از توابع دهستان مهربان، در شمال غربی استان همدان و به فاصله ۸۰ کیلومتری از همدان و دارای ۲۵۰ خانوار است که از این تعداد ۴۳ خانوار خوش نشین اند. جمعیت این ده حدود ۱۸۰۰ نفر است. موقعیت این ده از لحاظ جغرافیایی جلگه ای است مالک این قریه دارای ۲۶۵ هکتار زمین دیمی است. زمین های این مالک در تاریخ ۵۹/۸/۱۲ به وسیله جهاد سازندگی و سپاه پاسداران بین ۴۳ نفر خوش نشین تقسیم شد که ملاک این تقسیم بر اساس میزان دارایی و زن و فرزند هر خانوار بوده است. لازم به تذکر است که این تقسیم فقط برای کشت سال جاری است که زمین ها نکاشته باقی مانده باشد. اهالی ده خواستار تعیین تکلیف قطعی هستند تا اختلاف بوجود نیاید. زیرا دهقانان اگرچه خواستار زمیند ولی می گویند که ما خواستار واگذاری زمین به شکل قانونی و قطعی هستیم

اگر هیئت تمام زمینها را هم به خوش نشین ها بدهد قبول می کنیم. دهقانان به درستی برچیدن بساط مالک بزرگ را مسئله اصلی میدانند و معتقدند می توانند برادر وار، کنار هم کار و زندگی بکنند. وضع راه این ده خراب است، همچنین حمام در این ده به صورت خزینه است. میزان آب بسیار کم است به طوری که مردم برای آب آشامیدنی مجبورند ۴ کیلومتر پیاده روی کنند و البته برای رفتن به حمام هم باید از این چشمه آب آورده و خزینه را پر کنند و بعد به حمام بروند. در این قریه از بهداشت خبری نیست و اگر کسی مریض شود باید به همدان بیاید مردم این قریه نیز به مانند سایر مردم ایران به مناسبت جنگ ایران با رژیم آمریکایی صدام بچه های خود را برای جنگ به جبهه فرستاده اند. همچنین اهالی این ده به مقدار یک وانت بار نان و پنیر برای جنگ زدگان کمک کرده اند. با توجه به وضع عمومی ده، حق است که هر چه زودتر اقداماتی در جهت رفاه این پیروان راستین انقلاب به شرح زیر صورت گیرد.

- ۱- بر هیئت واگذاری زمین است که هر چه زودتر کار واگذاری را به صورت قانونی به انجام رساند تا اختلاف در این ده نباشد.
- ۲- اداره راه و جهاد سازندگی باید به وضع راه و حمام این ده رسیدگی و آن را اصلاح نماید.
- ۳- بر جهاد سازندگی و اداره آبیاری است که هر چه زودتر به وسیله ایجاد چاه عمیق در این ده آنها را از این وضع بی آبی نجات دهد.

سراجوق

قریه سراجوق از توابع دهستان مهربان در فاصله ۹۰ کیلومتری استان همدان و در شمال غربی این استان قرار گرفته است. این قریه دارای ۲۸۰ خانوار میباشد که از این تعداد حدود ۸۰ خانوار آن خوش نشین و بقیه کشاورزند. جمعیت آن حدود ۱۵۰۰ نفر است. موقعیت این ده از لحاظ جغرافیایی کوهستانی است. مهمترین مسئله ای که در این قریه مطرح است مسئله مالک و مالکیت است. دو مالک این ده حدود ۲ هزار هکتار زمین دارند کلیه زمین های آبی در مالکیت بزرگ مالک است. این مالکین در حال حاضر در این ده کسبه مشغول توطئه هستند. دهقانان می گویند که آنها شایعه می اندازند که پسر شاه معدوم بزودی به ایران می آید و این حکومت از بین می رود. همچنین می گویند که این شخص با شیخ عزالدین حسینی رابطه دارد و با او مشفق است و توطئه است و نیز این مالک بوسیله زدن چاه آب قنات اهالی را گرفته و می گویند اگر به مالک حرف بزنیم او حتی در دوره انقلاب ما را می زند و ما مجبوریم فرار کنیم. همچنین زمین مدرسه را گرفته و تبدیل به آسیاب کرده است اهالی تا بحال چندین مرتبه از دست مالک بزرگ به دادگستری - دادگاه انقلاب و بسیاری جاهای دیگر شکایت کرده اند ولی می گویند که از نفوذ زیادی در ادارات برخوردار بوده و از سرمایه داران و فئودالهای معروف است. اینست نمونه ای از بزرگ مالکی طرفدار ظا غوت، توطئه گر، شایعه انداز، زورگو و غارتگر که ادامه وجودش بسا انقلاب ما مفایر است و باید ریشه کن شود. اهالی این قریه متأسفانه نتوانسته اند شورای ده مردمی داشته باشند تا مشکلات آنها کمک کنند. اعضا شورای ده که از خانواده های مرفه روستا هستند توجه لازم را بمسائل ده ندارند و وضع راه این ده بسیار خراب است و در زمستان بسته میشود. از لحاظ آب، بخصوص آب آشامیدنی مردم در مضیقه اند و می گویند مالک تمام آبها را برده است. چون زمین مدرسه بوسیله مالک گرفته شده است و مدرسه فعلی بسیار خراب

از مالک غارتگر، زمین و حق خود را خواهیم گرفت

است. معلمین مدرسه هم از وضع مدرسه بسیار ناراضی هستند و رفته اند. در شرایط فعلی مملکت و جنگ ایران با رژیم صدام امریکایی اهالی این قریه به مانند سایر روستاهای کشور در بسیج شرکت کرده اند و منقذی خدمتان ۵۶ خود را معرفی کرده اند. همچنین بمیزان ۵۰ کیسه نان ۲۰۰ طلب پنیر و ۵۲۰ تومان پول برای جنگ زدگان کمک کرده اند. مستقیما به جهاد سازندگی داده اند. اینست نمونه ای از دهقانان زحمتکش طرفدار انقلاب و حامی جمهوری اسلامی ایران که با جان خود، نان سفره خود، آخرین ریالهای خود در دفاع از انقلاب ثابت قدم هستند و با پیدا ز آنها حمایت شود و هر چه زودتر هیئت هفت نفری مسئله دو مالک ظا غوتی را حل نماید.

- ۱- با توجه به وضع حساس این ده و موضع بسیار روشن بزرگ مالک از یک سو و دهقانان از سوی دیگر، هیئت هفت نفری واگذاری زمین باید هر چه زودتر کار واگذاری زمین را به خوش نشینان و دهقانان آغاز نماید و هر چه زودتر به پایان برساند تا این فئودال خونخوار و ضد انقلاب از بین رفته و دهقانان با خیال آسوده در تولید هر چه بیشتر کوشا باشند.
- ۲- همچنین بر سپاه پاسداران و سایر نهادهای انقلابی است که این مالک را دستگیر کرده و در باره فعالیت های ضد انقلابی و تبلیغات خرابکارانه و شایعه پراکنی های مفرطانه وی اطلاعات لازم را به دست آورند.
- ۳- بر اداره راه و جهاد سازندگی است که راه این قریه را مرمت نماید و بر اداره آموزش و پرورش استان همدان است تا با بررسی وضع مدرسه این ده اقدامات لازم را بعمل آورند. با توجه به مطالب فوق حق است که هر چه زودتر به خواستهای اساسی این دهقانان و زحمتکشان و پیروان راستین انقلاب اقدام عاجل بعمل آید.

چکنلو

قریه چکنلو از توابع دهستان مهربان شهرستان همدان دارای ۱۲۰ خانوار است که از این تعداد ۴۴ خانوار خوش نشین و بقیه دهقان هستند جمعیت این ده به ۷۸۲ نفر می رسد. موقعیت این ده کوهستانی است و فاصله آن از همدان حدود ۵۰ کیلومتر میباشد. مدرسه راهنمایی و مسئله معلم از کمبودهای مهم این روستاست. میزان آب در این روستا بسیار کم است و مردم خواهان آب آشامیدنی سالم هستند که می گویند این از طریق چاه نیمه عمیق امکان پذیر است. وضع راه این روستا نیز خاکی و خراب و اکثر در طول زمستان بسته است. یکی از خوش نشینان این ده می گفت و می که با دیده خوش نشینان داده شود کلابه تراکتور دارها داده اند و به ما کمترین وامی هم نداده اند. اهالی این قریه نیز مانند سایر روستاها در بسیج شرکت کرده و منقذی خدمتان ۵۶ خود را معرفی کرده اند همچنین انگور کشمش و پیروان به جنگ - زدگان کمک کرده اند. با توجه به نارسائی های این قریه ضروری است جهاد سازندگی به خواستهای اساسی این روستا رسیدگی نماید و اقدام لازم را بعمل آورد و منقذی مسائل این روستا به ازدیاد تولید و تحکیم پشت جبهه کمک موثر خواهد کرد.

اعلام آمادگی سازمان حزب توده

ایران در بند عباس برای شرکت

در دفاع از میهن انقلابی

سازمان حزب توده ایران - شهرستان بندرعباس با انتشار اعلامیه ای مادگی خود را برای شرکت در دفاع از میهن انقلابی اعلام داشت. متن اعلامیه به شرح زیر است: فرماندهی محترم سپاه پاسداران انقلاب با تجاوز نظامی رژیم مزدور بعثی عراق به ایران، کدر چارچوب توطئه براندازی امپریالیسم آمریکا صورت می گیرد، خلق قهرمان ایران امروز با یکی از لحظه های سرنوشت ساز تاریخ خود روبروست. جمهوری نوپای ایران از هر سورد معرض خطر است. به شهادت نزدیک به دوسال که از عمر جمهوری اسلامی ایران می گذرد، امپریالیسم جهان خوار، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، حتی یک لحظه نیز از در هم شکستن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران غافل

جلسه مرسوم «پرسش و پاسخ» روز یکشنبه ۱۶ آذر ۱۳۵۹ با حضور رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، تشکیل شد. رفیق کیانوری به پرسش‌هایی که شرکت‌کنندگان در جلسه مطرح کردند، پاسخ گفت.

پیشن اول و دوم این پرسش و پاسخ در شماره‌های گذشته نامه «مردم» درج شد و اینک آخرین بخش آن به چاپ می‌رسد.

س: روزنامه‌های مخالف حزب توده ایران وهم چنین برخی از مقامات مسئول کشور، تهمت‌ها و افتراهای زنده‌های به حزب می‌زنند. چرا شما مقابل به مثل نمی‌کنید؟ آیا این محافظه‌کاری نیست؟

ج: من همین الان به این پرسش پاسخ دادم و گفتم که ما خونسرد هستیم و مناعت خود را حفظ خواهیم کرد. ما هیچ وقت شیوه‌هایی را که خود محکوم می‌کنیم، به کار نمی‌بریم. یکی از خدمات بزرگ حزب توده ایران این است که برای زنده کردن فرهنگ غنی و ارزشمند خلق‌های میهن ما، جدی‌ترین و پیگیرترین تلاش‌ها را به کار برده است. ما به عنوان میهن پرستان واقعی تا آنجا که در توانمان بوده است برای زنده کردن این فرهنگ غنی کوشیده‌ایم. در این زمینه نویسندگان و محققین ما، آثار بسیار ارزشمندی دارند؛ مثل رفیق طبری، نوشین یا شاهنام‌هاش و یا پژوهشی که جوانشیر در باره شاهنامه انجام داده و در آینده نزدیک انتشار خواهد یافت و یا آثار دیگر رفقا و هواداران حزب ما که با تشویق حزب انجام گرفته، همه در جهت زنده کردن محتوای فوق‌العاده عالی و ارزشمند و فرهنگ گذشته ما است. و اما فحاشی و سخن ناحق گفتن با روح این فرهنگ منافات دارد. در رابطه با همین فحاشی و تهمت زنی، ما این مثل مشهور را داریم که: پرسید ادب از که آموختی، گفت از بی ادبان. وقتی به ما فحاشی می‌کنند و تهمت می‌زنند، ما این مثل را به یاد می‌آوریم. وقتی ما تأثیر بسیار منفی این عمل را نماندند، خودمان که آماج تهمت و افترا هستیم، بلکه در افراد سالم جامعه که قضاوت درست دارند، مشاهده می‌کنیم. به این نتیجه می‌رسیم که نباید در مقام مقابله با چنین شیوه‌هایی، همان شیوه‌ها را به کار برد. یعنی ما از بی ادبان، ادب می‌آموزیم، از فحاشان، عفت کلام و مناعت می‌آموزیم از کسانی که بدون مایه علمی لازم لاف علم می‌زنند، فروتنی علمی می‌آموزیم. واقفان کسانی هستند که داعی‌کنند آثار معرفت‌محرک هستند، و در تمام علوم از فلسفه و اقتصاد و سیاست گرفته تا ادبیات و هنر و مباحث و صاحب نظرند. ما توده‌های واقعی این پدیده‌ها را می‌بینیم، حیرت می‌کنیم و چنین ادعاهایی را زشت می‌دانیم. به یاد داشته باشیم که وقتی در جمعی، از لنین در باره مسائل هنری سؤال کردند، با نهایت فروتنی گفت من از هنر زیاد سرم نمی‌شود، در این زمینه به لونا چارسکی که هنر شناس است مراجعه کنید. یا در مورد مایاکوفسکی نقل می‌کنند که لنین گفته است شعر این شاعر جوان ویژگی‌های خاصی دارد. اما راستش من از شعر او چیز زیادی نمی‌فهمم، ولی لونا چارسکی می‌فهمد و می‌گوید او نابغه است و حق با اوست.

البته جملاتی که من از لنین نقل کردم، عین سخنان او نیست و من آنها را از حفظ گفتم، ولی مفهوم آن همین‌هاست. خلاصه می‌خواهم بگویم ما از این مدعیان تحجر در جمع علوم عالم و از این دایره‌المعارف‌های متحرک، این درس را می‌گیریم که فروتن باشیم. ما اگر بخوانیم در یک مسئله اقتصادی اظهار نظر کنیم، تمام دوستانمان را که از اقتصاد اطلاع دارند جمع می‌کنیم و از آن‌ها نظری می‌خواهیم. اگر بخوانیم در زمینه آموزش و پرورش صحبت کنیم، حتماً به همین شیوه عمل خواهیم کرد. تمام رفقای راک‌دارای چنین اطلاعاتی هستند جمع می‌کنیم و از آن‌ها اطلاع می‌خواهیم. این شیوه برخورد ما به مسائل علمی یا برخوردهایی که به آن اشاره کردم به کلی متفاوت است.

ویژگی دیگر حزب ما این است که مطالب خود را روشن و ساده می‌نویسد و بیان می‌کند و در این زمینه ما با بفرنج‌گویان و بفرنج‌نویسانی که جملاتشان را بر مل و اصطلاحات باید کشف کرد، وجه مشترکی نداریم. اگر شما مقالات آن روزنامه‌های کذابی را که نام بردیم، بخوانید به همین نتایج خواهید رسید. اگر به برخی از این بحث‌های فلسفی عجیب و غریبی که در رادیو - تلویزیون انجام می‌گیرد، توجه کنید، به همین خواهید رسید که مرادگونده این است که کسی از گفته‌هایش چیزی نفهمد فقط با قلمبه‌گویی و اشاره به نام‌های برخی از بزرگان و آثار آنان بخش ناوارد شوندگان و بینندگان را تحت تأثیر قرار دهد که با خود بگویند: این آقا به قدری دانشمند است که مطالبش را ما نمی‌فهمیم. ولی ما بر عکس می‌کوشیم حتی بفرنج‌ترین مباحث را هم تا آنجا که ممکن است آنقدر ساده بیان کنیم که لاف‌افران دارای سطح متوسط معلومات عمومی، آن را بفهمند.

پس مانده در این زمینه و نه در هیچ زمینه دیگری با شیوه‌های نادرست مقابله به مثل نمی‌کنیم. ما شیوه‌های خود را بر اساس اصولیت، بر اساس موضع‌گیری اجتماعی خود، بر اساس واقعیت‌های عینی، بر اساس تحلیلی-علمی پدیده‌ها، بر اساس توجه به خواست‌های واقعی محرومان جامعه و احترام عمیق به توده‌های خلق، انتخاب می‌کنیم و این عمل را درست می‌دانیم و معتقدیم که در درازمدت همین شیوه‌هایی که ما انتخاب کرده‌ایم حتماً برنده و پیروز خواهند بود و شیوه‌های دیگر، شیوه‌های "نهران مصور" ها، "شاهد" ها و امثال آن‌ها هر قدر هم که امروز توانا و زورمند بنمایند، نظیر اسلافشان در زباله‌دان تاریخ دفن خواهند شد. در طول چهل سال که حزب ما در صحنه تاریخ ایران به فعالیت پرداخته است، گذشته از خود رژیم سرنگون شده، احزاب، جمعیت‌ها، سازمان‌ها، گروه‌ها و اشخاص بسیار، علیه‌راه ما به ستیز برخاستند، تهمت زدند، دشنام دادند، لجن‌پراکی کردند و از هیچ عمل خصمانه‌ای فروگذار نکردند، ولی امروز که عرصه سیاست ایران می‌نگریم، می‌بینیم که اکثریت قریب به تمام آنان در زباله‌دان تاریخ جای گرفته‌اند و بسیاری از آنان حتی نامشان هم از یادها رفته است. ولی توده‌های فروتن و شکیبا با تحمل انواع رنج‌ها و محرومیت‌ها راه خود را ادامه می‌دهد و با کاربرد شیوه‌های صحیح در آینده نیز صحت این راه و حقانیت تاریخی آن را به ثبوت خواهد رسانید.

در اینجا یک نکته را هم باید یادآور شوم: مبارزه ما با مخالفانمان در برخی موارد، در شرایط به کلی نابرابر و نامساعد انجام می‌گیرد. مثلاً پادام آمد که در دوران فتوادیته در اروپا سنیورها، ارباب‌ها، نمایندگان اشرافیت، برجان و مال رعایا حاکم بودند. در ایران خودمان هم فتوادیته‌ها، خان‌ها و اشراف در برابر رعیت‌ها همین وضع را داشتند. اگر دهقانی به یک خان زاده، اشراف زاده یا فلان نورچشمی می‌گفت بالای چشمش آبروست، آن اشراف زاده یا نورچشمی حق داشت که آن دهقان را که از توده مردم بود مثل افراد هم طبقه خود به دوئل یعنی جنگ تن به تن دعوت کند، ولی شرایط این جنگ تن به تن، بر خلاف شرایط جنگ تن به تن با هم - طبقه‌هایی است که اشراف زاده حق داشت سوار بر اسب و سراپا مسلح به سلاح‌های قرون وسطایی یعنی با زره و گلاخود و سپر و نیزه و شمشیر و تبریز و غیره باشد، ولی دهقان موظف بود با همان لباس عادی و فقط با یک چوبدست به جنگ بیاید. تا بلوهای تاریخی بسیار، از این نوع نبردهای تن به تن وجود دارد که البته نتایج آن هم معلوم است که با همان نهیب اول به پیروزی آن اشراف زاده تمام شده است. وضع ما هم با برخی از بزرگانی که الان در جامعه ما همه قدرت را در دست دارند، همینطور است. آن‌ها رادیو و تلویزیون دارند، روزنامه‌های با قطع بزرگ و با حجم تا ۲۰ صفحه و بیشتر دارند، چاپخانه امکانات وسیع چاپ و پخش و پول فراوان دارند. و علاوه بر همه این‌ها زندان و "حق" توقیف روزانه و توقیف خود ما را هم دارند و در این زمینه هر کاری هم نکنند، کفیری در انتظار ندارند.

نورالدین کیانوری (۳) «پرسش و پاسخ»

شخصیت‌های خلقی و ضد امپریالیست نباید بالیرال‌ها در یک صف قرار گیرند

- ۵- مبارزه میان حزب توده ایران و مخالفان آن در شرایط نابرابری کامل نیروها و امکانات.
- ۶- با وجود جنگ طبقاتی میان لیبرال‌ها و نیروهای انقلابی، آیا می‌توان از اتحاد و وحدت میان آنها سخن گفت؟
- ۷- با آنکه شعار «جبهه متحد خلق» تاکنون بی جواب مانده، چرا باز آنرا تکرار می‌کنید؟
- ۸- باز هم درباره علل پیدایش دشواری‌ها در لهستان.

خوب، در برخورد با این نیروی عظیم باز هم به شهادت حزب ما باید آفرین گفت که با وجود این عدم تناسب قوا و این نابرابری امکانات، در تمام موارد ما حرف خودمان را زده‌ایم، نظریات خودمان را گفته‌ایم و اگر انعکاس این نظریات "محدودتر" از انعکاس نظریات مخالفین بوده، این دیگر تقصیر ما نیست. امکاناتمان نابرابر است! مثلاً امکانات واقعی روزنامه "میزان" را در نظر بگیرید و ببینید چه امکاناتی در اختیار روزنامه "میزان" هست و چه امکاناتی در اختیار روزنامه ارگان مرکزی حزب توده ایران. و این دو با هم "امکانات" در نبرد شرکت دارند. بعضی از "میزانی" ها اگر فقط کت خود را بکنند، تمام امکانات مالی "نامه مردم" از جیب‌هایشان بیرون می‌ریزد. من بارها گفته‌ام که حاضریم تمام آنچه را که مجموع صد نفر اول از مسئولین حزب توده ایران در این دنیای فانی صاحبند، با چند درصد آنچه که یکی از این آقایان لیبرال‌ها و واقعا مالکند، از خانه و کارخانه گرفتند، سپرده‌های بانکی، به شرط آن که صادقانه بگویند، عوض کنیم و اطمینان داریم که در این توضیح حتماً برد پام خواهد بود. این است امکانات آن‌ها و این است امکانات ما، امکانات یک سازمان انقلابی توده‌ای که به کمک‌های فوق‌العاده ناچیز اعضای خود متکی است و اکثریت مطلق این اعضا هم خودشان از محرومان جامعه هستند.

با توجه به چنین واقعیتی، دوستان ما نباید بیش از آنکه امکانات واقعی به ما اجازه مبارزه با حملات و اتهامات و لجن‌پراکی‌های مخالفان ما را می‌دهد، از ما متوقع باشند.

س: (یکی از هواداران سازمان "اکثریت" چریک‌ها) - در روزهای اخیر حملات لیبرال‌ها به انقلاب ایران، به‌طور بی‌سابقه‌ای گسترش یافته و اختلاف بین لیبرال‌ها و جناح‌های انقلابی به حد اعلا شدید شده است. همانطور که در "نامه مردم" به درستی تحلیل شده، این تعرض لیبرال‌ها، نشانه ضعف آنهاست. ما می‌دانیم که این مبارزه، یک جنگ طبقاتی است. با وجود چنین جنگی، دیگر از چه اتحاد و وحدتی می‌توان سخن گفت؟ مگر میان انقلاب و ضدانقلاب می‌تواند وحدت وجود داشته باشد؟

ج: این سؤال درستی است. دوست عزیز هوادار سازمان چریک‌های فدایی خلق - "اکثریت"! آنچه که ما از ندای وحدت امام خمینی فهمیده و آن را یکی از عناصر پنجگانه خط امام خمینی تلقی کرده‌ایم، بار دیگر من در این جای‌آور می‌شوم. این پنج عنصر عبارتند از: ۱- مبارزه شتی‌ناپذیر علیه امپریالیسم و به ویژه امپریالیسم آمریکا به عنوان دشمن شماره یک محرومان ایران و تمام محرومان جهان، ۲- مبارزه شتی‌ناپذیر علیه استبداد برای درهم شکستن طاغوت، ۳- مبارزه برای تغییرات بنیادی در نظام اقتصادی - اجتماعی به سود محرومان و غارت‌شدگان و کوخ نشینان، ۴- تأمین آزادی اکثریت مردم، برای کسانی که در گذشته از هرگونه آزادی محروم بودند، ۵- تلاش در راه اتحاد همه نیروهای که صادقانه برای آزادی ست‌گیری چهارگانه آماده مبارزه هستند. عنصر آخر یکی از عناصر مهمی است که حزب توده ایران از ابتدای شروع فعالیت سیاسی‌اش، همیشه روی آن تکیه کرده و لزوم ایجاد جبهه متحد خلق را خاطر نشان ساخته است. و اما جبهه متحد خلق یعنی چه؟ این به هیچوجه به معنی اتحاد بین انقلاب و ضدانقلاب نیست. خلق یعنی کسانی که هواداران انقلاب هستند. ضدانقلاب هیچوقت جزء خلق حساب نمی‌شود. جبهه متحد در برگیرنده نیروهایی است که طرفدار استقلال، آزادی و تغییرات بنیادی به سود محرومان جامعه هستند یعنی همان چیزی را می‌خواهند که جمهوری اسلامی در قانون اساسی وعده داده است. امام همیشه خاطر نشان کرده است که کسانی که مدعی دفاع از این خط هستند، باید مسائل ذهنی، اختلاف بر سر قدرت، اختلاف بر سر این که چه کسی فلان پست را بگیرد و من قوی‌تر باشم و یا تو، همه اینها را دور بزنند و تمام نیروی خودشان را برای تحقق هدف‌های اصلی انقلاب متحد کنند. ما با چنین اتحادی که مفهومش همان است که ذکر کردم، موافقت کامل داریم و با تمام قوا از آن پشتیبانی می‌کنیم. ما از اتحاد و وحدت نیروهای که می‌خواهند تسلط امپریالیسم جهانی در تمام زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی، از جامعه ما ریشه‌کن شود و محرومان جامعه به حقوق حقه انسانی و اجتماعی خود برسند، حمایت می‌کنیم و چنین اتحادی را ضمن پیروزی انقلاب و حفظ دستاوردهای آن می‌دانیم. به همین جهت شعار جبهه متحد خلق، شعار عمده نبرد کونی و آینده ما برای تحکیم استقلال و آزادی و تحقق اصول تصریح شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی است.

س: (از یک دوست مسلمان) - با آنکه شعار جبهه متحد خلق تاکنون بی جواب مانده است، چرا دائماً از طرف حزب توده ایران تکراری شود؟

ج: دوست عزیز مسلمان، یار فدایی که ممکن است چنین سؤالی برای شما مطرح باشد! شعارهای عمده سیاسی، شعارهایی نیستند که امروز مطرح شوند و فردا تحقق پیدا کنند. شعار جاری روز نیستند. مثلاً یکی از شعارهای روز در حال حاضر عبارتست از: تجهیز همه نیروها برای در هم شکستن تجاوز آمریکا - صدام. این شعار فقط برای دوران معین جنگ علیه تجاوز عراق معتبر است و وقتی این جنگ تمام شود، این شعار هم تعطیل خواهد شد. با شعاری که از این هم بیشتر می‌تواند جنبه روز داشته باشد این است که مثلاً فردا، جمعه، باید در میتینگ علیه آمریکا - صدام شرکت کرد. همینکه جمعه گذشت و میتینگ برگزار شد این شعار هم از زمین می‌رود. ولی شعارهای عمده سیاسی، می‌توانند یک دوران تاریخی را در برگیرند. مثلاً در تمام دوران رژیم شاه، شعار سرنگونی رژیم محمدرضا شاعر عمده سیاسی همه نیروهای ضد-استبدادی ایران بود. بهترین و موثرترین وسیله تحقق یک شعار عمده سیاسی که مورد قبول نیروهای گوناگون باشد، همیشه تشکیل جبهه واحد این نیروها است - این یعنی چه؟ یعنی این که همه نیروهای که در مورد این شعار با هم موافق هستند، تمام نیروها و امکانات خودشان را روی هم بزنند و متحدان نقشه‌ای طرح و آن را پیاده کنند. مسلم این است که در چنین صورتی نیروی آن‌ها چند برابر خواهد شد. در نامه‌های سرگشاده‌ای که ما پیش از سرنگونی رژیم شاه برای نیروهای مبارز انقلابی ایران فرستادیم، بارها خاطر نشان کردیم که دوستان، شما می‌خواهید این رژیم را سرنگون کنید. ما هم می‌خواهیم این رژیم سرنگون شود. بیایید بنشینیم و با هم شور کنیم که چگونه می‌توان با تجمع نیروها به این هدف رسید؟ با تفرقه و پراکندگی نیروها، هیچیک از آن‌ها به تنهایی نمی‌توانند این رژیم را سرنگون کنند و چه بسا در صورت کوشش برای انجام یک نقشه حساب نشده، ممکن است همدیگر را خنثی کنند. بیایید روی یک نقشه و یک برنامه مشترک و چونگی شیوه‌های مبارزه مشترک، روی تمرکز همه نیروها برای انجام این مبارزه توافق کنیم، زیرا این یک اصل بدیهی و ابتدایی است که وقتی نیروها با هم متحد باشند، تأثیر و قدرتشان برای رسیدن به هدف چندین برابر حاصل جمع عددی ساده نیروی متفرق آن‌ها خواهد بود. این را در کلاس اول و دوم دبستان هم به شاگردان یاد می‌دهند. از وقتی که من مدرسه و مکتب یاد می‌دهم، همه آموزگاران قصه‌ها و داستان‌ها را نقل کرده‌اند: پدر ترکه‌ها را یکی یکی می‌پسرد و در وقت سخن، پرسش‌کنند. اما وقتی همه ترکه‌ها را با هم می‌کنند، آنوقت نتیجه گرفتند که اگر شما متحد باشید، هیچکس نمی‌تواند شما را درهم بشکند، اما اگر تکتک و متفرق باشید، شما را خرد می‌کنند. این یک حکمت تاریخی جامعه ما و همه جوامع است.

به این ترتیب جبهه متحد خلق، شعار امروز و فردا نیست. مادام که در جامعه هدف‌هایی مطرح است که نیروهای دارای موضع‌گیری‌های ایدئولوژیک - سیاسی گوناگون در آن هدف‌ها با هم مشترکند، تشکیل جبهه متحد این نیروها، بهترین شیوه برای پیروزی و دستیابی به آن هدف است. حال ببینیم که آیا در جامعه ما هدف‌هایی که تحقق آن‌ها مستلزم تشکیل جبهه متحد خلق باشد، از بین رفته است؟ نه‌آنگار برنامه جبهه متحد خلق را که بیستم کمیته مرکزی مایکشیست‌ها کرد، در نظر بگیریم، می‌بینیم که قسمت‌های مهمی از این برنامه، امروز هم نه فقط برای حزب توده ایران، بلکه برای نیروهای گوناگون مدافع واقعی انقلاب ایران، از مسلمانان مبارز گرفته تا طرفداران سوسیالیسم علمی، به‌شعار عملی روز تبدیل شده است. از آن جمله مسئله اصلاحات ارضی، ملی کردن تجارت خارجی، کوتاه کردن دست سرمایه‌داری بزرگ و وابسته به امپریالیسم، تشکیل ارتش ملی، مبارزه با بیسوادی، بالا بردن سطح بهداشت عمومی و غیره. همه این مواردی که ما در برنامه جبهه متحد خلق آورده‌ایم، امروز به‌طور خیلی دقیق، جزو برنامه دولت جمهوری اسلامی و بخش عظیمی از نیروهای انقلابی جامعه ما است. پس این هدف‌ها از بین رفته و ما به همه این هدف‌ها نزدیک شده‌ایم. بخش قابل توجهی از آن‌ها به هدف‌های طیف بسیار بزرگی از جامعه ما تبدیل شده است. به همین جهت مسئله تشکیل جبهه متحد خلق هم به اعتبار خود باقی است، با این تفاوت که در شناخت آن‌ها به عنوان هدف‌های مرم، یک نوع هماهنگی میان بسیاری از نیروها به وجود آمده و خیلی‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که باید از تلاش‌های جداگانه جداگانه برای رسیدن به این هدف‌ها خودداری شود و همه کوشش‌ها در یک مسیر به کار رود.

اما بعضی‌ها می‌گویند که چون جبهه متحد خلقی با محتوایی که شما مطرح می‌کنید، قبول نشده و عده‌ای آن را اصلاً نمی‌کنند و شرکت با بیشتر طرفداران سوسیالیسم علمی را در یک جبهه‌گیری ممکن می‌دانند، یا بهتر نیست که شعار دیگری به جای آن مطرح گردد؟ ما در گذشته نیز بارها گفته‌ایم که حزب توده ایران کمتر به شکل و بیشتر به محتوای عمده پدیده اهمیت می‌دهد. محتوای اساسی جبهه متحد خلق هم این است که نیروهای سیاسی طبقات و قشرهای مختلفی که جمعا خلق را تشکیل می‌دهند، روی یک برنامه مشترک توافق کنند و سازمان متشکلی از این نیروها به عنوان یک سازمان سیاسی مرکز تجمع هم‌ان‌ها به وجود بیاید. ولی ما در این زمینه هیچگونه مطلق‌گرایی نداشته‌ایم. جبهه متحد خلق می‌تواند در عمل گام‌های بسیار مهمی بردارد، بی‌آنکه هنوز شکلش کامل شده باشد. مثلاً امروز در جبهه مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا می‌بینیم که اکثریت مطلق خلق، با وجود گرایش‌های گوناگون ایدئولوژیک و سیاسی، عملاً در یک جبهه قرار گرفته‌اند و در یک جبهه عمل می‌کنند. شعار "مرگ بر آمریکا یادتان نرود" در اجتماعات نماز جمعه، به رهنمود اساسی روحانیت مبارز تبدیل شده و فقط اقلیت ناچیزی دست و پا می‌زند که آمریکا را از زیر این ضربه خارج کند و این اقلیت هم به‌طور عمده وابسته است به سرمایه‌داری و بورژوازی لیبرال و ضدانقلاب. پس در مورد این مسئله اساسی، جبهه متحد عملاً وجود دارد.

در مورد مبارزه با بزرگ‌مالکی هم می‌بینیم که اکثریت قریب به تمام خلق، علی‌رغم آن که لیبرال‌ها و بزرگ‌مالکان کوشیده‌اند در این زمینه از روحانیت غیرانقلابی استفاده کنند، خواستار برانداختن بزرگ‌مالکی است. به نظر ما این مبارزه علیه بزرگ‌مالکی حتماً در جبهه وسیعی ادامه پیدا خواهد کرد. در دوران جنگ ممکن است آرامشی در این زمینه به وجود آید، ولی این مبارزه ریشه‌های عمیق دارد و به مبارزه وسیع خلقی تبدیل شده است. زمانی بود که مبارزه علیه بزرگ مالکی فقط توسط حزب توده ایران انجام می‌گرفت و فقط ما بود که این شعار را می‌داد و تمام نیروهای سیاسی فعال دیگر با آن مخالف بودند و خیلی از آن‌ها ما را به علت اعلام این شعار تکفیر می‌کردند. ولی الان ما می‌بینیم که شعار آن روز ما به شعار اکثریت قریب به تمام خلق بدل شده است.

شعار محدود کردن فعالیت غارتگران سرمایه‌داری را در نظر بگیریم. این شعار هم که زمانی فقط از طرف حزب ما مطرح می‌شد، امروز به شعار طیف وسیعی از نیروهای انقلابی ایران تبدیل شده است. شعار جبهه متحد خلق هم علی‌رغم مقاومتی که هنوز به‌طور جدی در برابر آن وجود دارد، به‌ویژه علیه همکاری رسمی نیروهای اسلامی و هواداران سوسیالیسم علمی، پیشرفت بی‌سابقه‌ای داشته است. به این دلیل ما اعتقاد داریم که تجربه‌های آینده و تکامل آینده انقلاب ایران شرایط را برای همکاری رزمی همه نیروها در جهت تحقق بخشیدن به هدف‌ها و آماج‌های جبهه متحد خلق، هدف‌های جبهه طبقاتی و رزمندگان خلق ما، جبهه کارگران، دهقانان، تولیدکنندگان کوچک، توزیع‌کنندگان و بورژوازی کوچک‌تر متشکلی شهر و روستا و روشنفکران مترقی و علاقمند به پیشرفت اجتماعی و استقلال و آزادی، و مساعدتر خواهد کرد. ما به هیچوجه معتقد نیستیم که این شعار، فعلیت و ضرورت حیاتی خود را از دست داده و باید آن را کنار گذاشت. ما معتقدیم که این شعار آینده جنبش انقلابی ایران خواهد بود و به همین جهت هم همیشه پی‌گیر از این شعار پشتیبانی خواهیم کرد.

س: لطفاً درباره علت پیدایش دشواری‌ها در لهستان توضیح دهید.

ج: من درباره این سؤال، در جلسات گذشته مفصل توضیح داده‌ام و این توضیحات به‌قوت خود باقی است و عملاً هم معلوم شد که عامل اساسی همان اشتباهات رهبری دولت و حزب لهستان در ارزیابی مسائل اقتصادی، بقیه در صفحه ۷

پیشنهاد سازنده...

بقیه از صفحه ۱
کشور و یا کشورهای دیگر منطقه و جلوگیری از یقیناً مناسب است حسن همکاری میان آنها را اختیار کرده‌اند، از حدت اوضاع گامی نبرده.

«نمود نظامی خارجی در خاور نزدیک و میانه در برابر افکار جهان‌بینان شدت می‌یابد، پایه‌های وحدت جهان عرب متزلزل می‌شود و خرسندی دشمنان خاق‌های عرب را برمی‌انگیزد...»

«تحد شوروی از پایان این درگیری از راه مسالمت‌آمیز قویاً پشتیبانی میکند، ما هرگونه تلاش را برای ترویج رفع این درگیری و دامن‌زدن به آتش جنگ را محکوم می‌کنیم.»

در صورت عدم مداخله دیسگران در امور داخلی افغانستان، نیروهای شوروی فراخوانده خواهند شد.

دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی سپس اظهار داشت:

«مخالفان روند عادی‌شدن اوضاع بین‌المللی و مقصران مسابقه تسلیحاتی اغلب برای توجیه اقدامات خود به اوضاع افغانستان استناد می‌کنند، اما چنانکه کمی بهتر یابند، درمی‌یابیم که موضع آنها بی‌عصب است. اینان درباره قطع کمک نظامی شوروی به افغانستان هیاهو سر داده‌اند، ولی، در واقع، از دست‌یابی بی‌جیب روشی برای ایجاد مانع در این راه فروگذار نمی‌کنند. آنها همچنان برای ادامه توجیه و جلوگیری از بازگشت به وضع عادی تلاش می‌ورزند. (این عناصر) به گسیل اوپاشان مسلح به افغانستان ادامه می‌دهند و، بی‌شک از همه، از حصول توافق میان افغانستان و همسایگانش، بویژه میان افغانستان و پاکستان، هراس دارند. ولی پای دروغ نگ است. سیر حوادث در افغانستان بتدریج به حال عادی برمی‌گردد و محیط آرامش بیش از پیش در این کشور برقرار می‌شود. این روند پیوسته گسترش خواهد یافت و ایرهای زهرآگین دروغ و افترا بتدریج پراکنده خواهد گشت. گمان می‌کنیم که آنگاه پسرای همسایگان جنوبی افغانستان روشن خواهد شد که یگانه راه واقعی راه حصول توافق با دولت افغانستان، برپایه اصل حسن همجواری است. در نتیجه شرایط لازم برای بازگرداندن اوضاع سیاسی به حالت کاملاً عادی، از جمله برای فراخواندن نیروهای شوروی از افغانستان، پدید خواهد آمد.»

رهبر شوروی گفت:

«اتحاد شوروی طرفدار آست که رودارها همانا در چنین راستایی سیر کند. ما پشتیبانی کامل خود را از پیشنهادها و متنی دولت افغانستان در این گستره اعلام می‌داریم.»

پیشنهادهای سازنده در باره حوزه خلیج فارس

لتوید برژنف سپس ادامه داد:

«حوزه خلیج فارس و اقیانوس هند هرچه بیشتر به کانون خطرناک تنش‌ها بین‌المللی تبدیل می‌شود. کشورهای بزرگی، که هزاران کیلومتر از این منطقه دور هستند، به پناه ساختن «دفاع از مصالح حیاتی» یگان‌های مقتدر نیروی دریایی خود را در آنجا مستقر ساخته‌اند، بسرت بریزان تسلیحات خود می‌افزایند، شبکه پایگاههای نظامی خویش را گسترش می‌دهند و کشورهای کوچک را، که زیر بار سیاست آنها نمی‌روند، مورد فشار و تهدید قرار می‌دهند. برخی برای توجیه این اقدامات از خطر موهوم شوروی، که گویا ثروت نفتی منطقه را تهدید می‌کند، دم می‌زنند. بدیهی است که چنین ادعایی دروغ محض است. اتحاد شوروی قصد ندارد به منابع نفتی خاور نزدیک دست یابد و یا بر راه حمل و نقل آن مسلط شود. البته آنچه که در منطقه‌ای بسیار نزدیک به مرزهای کشور ما روی می‌دهد، برای ما بی‌تفاوت نیست. ما می‌خواهیم که اوضاع این منطقه عادی و آرام باشد و در مقابل سیاست امپریالیستی «تجاوز و تحکم» در مورد کشورهای حوزه خلیج فارس، سیاست «امنیت و صلح» را قرار می‌دهیم.»

لتوید برژنف آنگاه گفت:

«این حرفی توخالی نیست، بلکه سیاست واقعی ماست. ما به آمریکا و دیگر دولت‌های غربی، به چین و ژاپن و همه کشورهای که باین امر علاقمندند، پیشنهاد می‌کنیم که درباره تقبل تعهدات متقابل زیرین به توافق برسند.
* از احداث پایگاههای نظامی خارجی در منطقه خلیج فارس و جزایر اطراف آن خودداری ورزند؛
* از استقرار سلاح هسته‌ای و دیگر سلاحهای کشتار جمعی در (منطقه خلیج فارس) بپرهیزند؛
* از توسل به قدرت و یا تهدید بقدرت علیه کشورهای حوزه خلیج فارس خودداری کنند؛
* در امور داخلی (کشورهای حوزه خلیج فارس) به مداخله نپردازند؛
* هر خط مشی عدم تعهد را، که از سوی کشورهای منطقه خلیج فارس برگزیده شده است، محترم بشمارند؛

* این کشورها را به گروه‌بندی‌های نظامی، با شرکت دول هسته‌ای نکشاند؛
* به حق حاکمیت کشورهای این منطقه بر منابع طبیعی‌شان احترام بگذارد؛
* از ایجاد مانع و یا تهدید در مورد مرزهای عادی بازرگانی و استفاده از راههای دریایی، که کشورهای منطقه را بدینتر کشورهای جهان مربوط می‌سازد، بپرهیزند.»

لتوید برژنف ادامه داد:

«ما گمان نمی‌کنیم که حصول به چنین توافقی، که البته کشورهای این منطقه طرفه‌ای برابر حقوق آن خواهند بود، با مصالح حیاتی‌شان وفق خواهد داد. هرچه باشد این امر ضامن حق حاکمیت، استقلال و امنیت کشورها خواهد بود. اتحاد شوروی طرفدار ناپدید شدن اندیشه تبدیل اقیانوس هند به منطقه صلح است. ما آماده‌ایم، با تفاق دیگر کشورهای ذینفع می‌چانه برای پیشبرد این هدف گام برداریم. ما حاضریم هر یک از دیگری را، که به کاهش تنش‌ها میانجامد و ناشی از بذل توجه به تحکیم مبانی صلح در آسیا و یا در هر قاره دیگر باشد تأیید و تصویب کنیم.»

اتحاد شوروی برای سیاست خارجی هند ارج فراوان قائل است

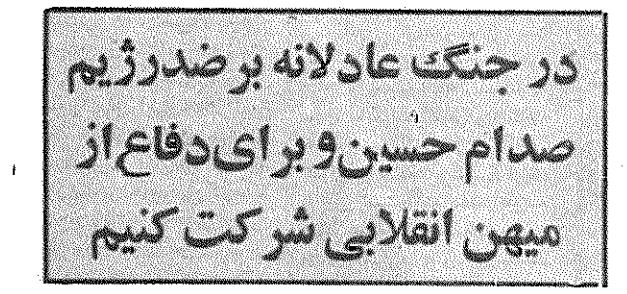
لتوید برژنف در پایان سخنرانی خود در پارلمان هند گفت:

«اتحاد شوروی بر سیاست خارجی هند، که برپایه اصول همزیستی مسالمت‌آمیز و عدم تعهد استوار است، ارج فراوان می‌نهد. ما برای سهم کشورتان در پیکار خلق‌ها برای تأمین صلح و تنش‌زدایی و علیه امپریالیسم، استعمار، نواستعمار، نژادپرستی و هرگونه انقیاد و لاپرواہی ارزش بسزایی قائل هستیم. هند از نخستین روزهای موجودیت خود در پهنه بین‌المللی نقش بی‌سهمی ایفا کرده است. هند بویژه در امر تحکیم مبانی صلح و تأمین ثبات در آسیا سهم بزرگی داشته است. برای نمونه، مناسبات هند با کشورهای هندوچین، چون ویتنام و لاوس خوب و حسنه بوده است. اکنون میان کشور شما و کامپوچیا هم مناسبات حسنه برقرار شده‌است. همه اینها، بدون شک، به گسترش مناسبات حسن همجواری و همکاری در جنوب خاوری آسیا کمک می‌کند. ما اطمینان داریم که سیر عادی حوادث موند این روشی دوراندیشانه خواهد بود. واقعیتی پیوسته عنصر مهم هر سیاست خارجی خردمندانه بوده است.»

شخصیت‌های ...

بقیه از صفحه ۱
در ارزیابی مسائل مربوط به رشد صنعتی و تولید و ارتباط آن با بهبود شرایط زندگی اقتصادی توده‌ها بوده است. عامل پیدایش حالت بحرانی کنونی در لیبستان همین اشتباهات بوده‌است. ولی همان‌طور که در جلسات پیش گفتیم، امپریالیسم طی سال‌های متعددی با استفاده از کلیسای کاتولیک در جهت تحریک مردم علیه سوسیالیسم کوشیده است. کلیسای کاتولیک بر خلاف آن چه که امام خمینی در سال‌های اخیر در زمینه مبارزه با استکبار و استبداد و امپریالیسم انجام داده، همان‌گونه که خود امام هم ضمن ارزیابی فعالیت پاپ بیان داشته، همیشه در جهت تقویت استکبار جهانی و غارتگران جهانی عمل کرده و هیچ موردی دیده نشده است که دستگاه پاپ از حقوق محرومان دفاع کرده باشد. پس از آن که امپریالیسم جهانی به کمک گردانندگان کلیسای کاتولیک توانست اسقف لیبستانی را به عنوان پاپ در واتیکان بنشانند، دیگر معلوم بود که تحریکات امپریالیسم در لیبستان از راه کلیسا حتماً شدت بی‌سابقه‌ای خواهد گرفت. به این ترتیب دو عامل، یکی عامل آگاهانه و تحریک با استفاده از احساسات مذهبی توده‌های مذهبی لیبستان و دیگری عامل اشتباهات حدی در ارزیابی‌های اقتصادی و اجتماعی از طرف رهبری حزب و دولت در لیبستان، با هم توأم شدند و وضع کنونی را بوجود آوردند. در اینجا البته فراموش نکنیم که اخباری که به ایران می‌رسد همان قدر بزرگ شده و غیرواقعی است که اخبار رسانه‌های گروهی دنیا و امپریالیستی در مورد اوضاع ایران با افغانستان. محافل دولتی ایران به حد کافی از دروغ‌پردازی‌های سمت‌دار و موبذنه‌خیزگری‌های جهان امپریالیستی علیه ایران پرده برداشته‌اند. ما می‌دانیم که این اخبار تا چه اندازه غیرواقعی، کین‌توزانه و خصمانه بوده است. این‌ها همان رسانه‌های گروهی هستند که در جهان بخش کردند که آیت‌الله خمینی دستور داده است. پستان‌های زنان را در خیابان‌ها ببردند! دروغ‌پردازی آن‌ها تا بدین درجه بی‌شرمانه و رذیلتانه است. حالا هم که مثلا "یوگوسلاوی"، "فرانسوی" و دیگر "دروغ‌پرس"‌های جهان امپریالیسم، "اخبار" درباره لیبستان بخش می‌کنند، باید دینا را بر این گذاشت که افلا نصف این اخبار دروغ است و تازه نصف دیگر آن را هم باید خیلی تخفیف بدهیم. مثلا این که گویاسی لشکر شوروی در مرز لیبستان متمرکز شده‌اند. این‌ها همه از قماش همان حقه‌بازی‌هایی است که ما در باره ایران نیز شاهدش بوده‌ایم. اما آنچه مسلم است، این است که امپریالیسم با تمام قوا می‌کوشد تا اوضاع لیبستان را با همین تبلیغات وحشتناکی که در دنیا به راه انداخته، هرچه بحرانی‌تر کند و کانون تشنج تازه‌ای علیه سوسیالیسم به وجود آورد.

ولی ما با اطمینان می‌توانیم بگوییم که تمام این تلاش‌ها و تلاش‌هایی که در آینده ممکن است انجام گیرد برای این که سوسیالیسم را در لیبستان با شکست روبرو کند، مسلماً عقیم خواهد ماند. در همین زمینه باید بگوییم که در کشورهای سوسیالیستی "هر که با سوسیالیسم در افتاد و رفتاد!"



قرارداد ترازیت...

بقیه از صفحه ۱
دیگر کشورهای جهان برقرار سازد.

قرارداد ترازیت میان ایران و شوروی، در شرایطی تصویب می‌شود که امپریالیسم آمریکا و دیگر متحدان وابستگانش، می‌کوشند تا برای خفه کردن انقلاب ایران، به طول کلیه مرزهای آن، تشنج و ناآرامی پدید آورند، راههای ارتباطی جمهوری اسلامی ایران را با جهان محدود کنند و حلقه محاصره خود را بدور ایران تنگتر سازند. آنها یک سال پیش محاصره اقتصادی ایران را به مرحله اجرا گذارند، که با توتی اتحاد شوروی عقیم ماند، اکنون می‌کوشند تا راههای ارتباطی ایران را غیر قابل استفاده سازند، که قرارداد ترازیت میان ایران و شوروی این بار نیز این توطئه را نقش بر آب می‌سازد. نماینده وزارت راه و ترابری در این مورد، در مجلس شورای اسلامی گفت:

«بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و استقرار حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، موضوع استفاده از راه ترازیت اتحاد جماهیر شوروی مطرح بود، بخصوص که اشکالاتی در راه‌های دیگر احساس می‌شود. ما توجه به محدودیت‌هایی که بخصوص بعد از جنگ در کانالها و دیگر راه‌های ارتباطی با وجود دارد، این قرارداد در بند ضمانت اجرایش، ناظر به قبول طرف شوروی از تساریخ امضاء برای اجرا است.»

نماینده وزارت راه و ترابری افزود: «تجربه جنگ که ما نشان داد که نباید به یک راه قانع باشیم، شبکه ارتباطی ما در سطح بین‌المللی باید وسیع باشد، که اگر عوامل امپریالیسم یک راه را بر ما بستند، راههای دیگر باز باشند... این قرارداد زمینه را برای وابستگی به شرق فراهم می‌کند، بخصوص که ما اصرار داریم که خود را از دامن غرب

مردم بد آمدید...

بقیه از صفحه ۱
ایران که بدست عراق انجام گرفته، امتحانی برای تمام‌اقتدار و گروه‌های مردم است، گفت:

«وقتی همه دنیا مسئله جنگ ایران و عراق و جنبه‌بندی‌های موجود را شناختند، وقتی که سرانگشتان آمریکا در منطقه به دشمن ما به رژیم بعثی صدامی کشور ما، نمی‌توانست از جانب دشمنان سوگند خورده و بخون تشنه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، با خشم و کین استنبال نشود. رادیو بختیار، یکی از بلندگویان ضدانقلابی امپریالیسم آمریکا، در برنامه سه شنبه ۱۷ آذرماه ۵۹ خود، این قرارداد را به باد حمله گرفت و از جمله گفت:

«با آنکه یکی از شعارهای جمهوری اسلامی نه شرقی، نه غربی است، این آخوند‌ها و رهبران کمونیست شوروی توافقی به عمل آمد تا کالاهای جمهوری اسلامی از طریق شوروی به ایران حمل شود... روشن است که چه کسانی دلالت بستن این ایمان بوده‌اند.»
و ارکان گروهک آمریکائی-چینی درنجران، حتی جورانه‌تر از رادیو بختیار و علیرغم نظر اکثریت قطع نمایندگان مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان، که بر قانون حکم تأیید نهاده، این قرارداد را به «زیان استقلال ایران» می‌دانند. کدام «استقلال»؟ همان «استقلال» که امپریالیسم آمریکا توسط شاه ملعون ۲۵ سال برمد ایران تحویل کرد و اینک هم درصدد تجدید آنست! بختیار و «رنجیر» نیست. اگر گام‌های جمهوری اسلامی ایران در جهت تحکیم استقلال ایران با زوزه‌های ضدانقلاب مواجه نشود، شکست‌انگیز است. فریاد‌های دردناک ضدانقلاب مایه امیدواری و نشانه‌سخت‌راه است.

حجت الاسلام خامنه‌ای در خطبه

دیگر نماز جمعه ضمن اشاره به ضربه مهلکی که گرانفروشان و متحرکان برپیکر انقلاب وارد می‌آورند از دولت و مشوران اجرائی خواست که با این‌ها باشند رفتار شود. امام جمعه تبران سپس ضمن تأکید مجدد بر حفظ وحدت صفوف مردم به توطئه‌های دشمن برای ایجاد اختلاف بین مردم اشاره کرد و از جمله گفت: «بسیاری ستمی میکنند بین نیروهای نظامی اختلاف بیندازند بین ارتش و سپاه پاسداران... می‌روند پیش برادران ارتش، سپاه پاسداران را بعنوان افراد بلااع، بی‌تخصص، بی‌توقع معرفی می‌کنند، می‌آیند پیش برادران پاسدار، افسراد طاغوتی، بی‌تقدم معرفی می‌کنند و هر دو خلاف است.»

«شيطان بزرگ آمريکا در کمين است»
حجت‌الاسلام خامنه‌ای در بیان گفت: «مردم بدانید شيطان در کين است. بدانید که شيطان بزرگ، یعنی آمريکا در کمين است. بدانید که شيطانهای کوچک در سراسر منطقه و در داخل ایران در کمينند، بدانید که پس‌مانده‌ها و رتاله‌های رژیم طاغوتی گذشته ایران هنوز امیدوارند، هنوز در کمينند و در هم‌جا هم هستند، یعنی توی هر کس، توی دانشجو، توی روحانی، توی ارتش، همه قشرهایی که توی این جامعه هست، کسانی را در خود دارد که از لحاظ فکری و عملی یا خارجاً مسورت واضح، جزویس‌مانده‌های روسوسه‌های این‌ها مانگير نشود.»

جامعه به افشاشات در مدارس اشاره کرد و گفت: «من سرریحا می‌گویم در مدارس نقشه ضد انقلاب اینست، کلاسها را تعطیل کند، بچه‌ها را از درس محروم کند، در مدرسه دعوی مصنوعی به راه بیندازد و پاسداران انقلاب را وارد جریان کند و پاسداران کمیته‌ها را، درگیری مصنوعی بوجود بیاورد و چند نایده با هم ببرد، این یک توطئه است و دقیقاً حساب شده و با توجه به همه جوانب چیده شده است.»

حجت‌الاسلام خامنه‌ای ضمن اشاره به فتنه‌هایی که پیرامون عدم آزادی در جامعه بلند است از جمله گفت: «امروز شعار آزادی دادن خودش جزئی از توطئه است... همانهایی که می‌گویند ما نمیتوانیم حرفان را بزنیم در روزنامه‌های کثیرالانتشار با تیرت‌های درشت حرفان را می‌زنند، همه مردم از حرفهای آنها مطلع می‌شوند، خوب است ما دوران اختناق را فراموش نکرده‌ایم... خود همین که کسانی میتوانند آزادانه قلم‌بند بگیرند و هر چه به قلمشان می‌آید، دروغ‌نویسی، افترا بنویسند، دلیل آزادی نیست؛ ما میدانیم که مردم خودشان باید بپند و تصمیم بگیرند و لغاست که دولت و مجلس شورای اسلامی معتقد است مردم آزادانه باید بپندند و بدانند و تصمیم بگیرند، البته یک‌بار دیگر گفته‌ام این آزادی به معنای آن نیست که کسی نتواند به خاطر اقتضای پلید جو آرام جامعه را ملتعب کند، حرکت معمولی و طبیعی جامعه را کند و ضررهای جبران‌ناپذیر بزند، هرگز به پناه آزادی اجازه نمی‌دهد یک خرابکار زیر ریل طبیعی یک قطار برب کار بگذارد، طبیعی است این، برای گفتن، برای اندیشیدن، برای اظهار نظر کردن و حتی برای فریاد کردن آزادی هست.»

حجت‌الاسلام خامنه‌ای ضمن اشاره به یکپارچگی مردم در مقابله با ضدانقلاب و توطئه‌های

هر گونه اغتشاش، تشنج و تعطیلی مدارس به سود امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب است!

دانش‌آموزان متعهد و انقلابی! با کمال تأسف در هفته‌های اخیر شاهد آن بودیم که بار دیگر، مدارس کشور، بخصوص تهران، این سنگر واقعی دانش‌آموزان انقلابی و مبارز، به اغتشاش‌های تشنج، درگیری و تفرقه‌اندازی، امپریالیسم و مردم‌فرمان و انقلابی‌ایران، به‌ویژه والدین دانش‌آموزان گردیده است.

سازند، با عمده کردن مبارزه علیه انحصارطلبی، شعار اصلی مردم ایران «شستن اصلی مساویگامی» را تضعیف می‌کنند. تا جایی که تحت عنوان «مبارزه با انحصارطلبی، ناخودآگاه در کنار مائوئیست‌ها، لیبرال‌ها، چپ‌ها، دیموکراتیک‌ها، اشرفی‌ها و دیگر گروه‌های ضدانقلابی قرار می‌گیرند، نظم مدارس را به هم می‌ریزند و باعث درگیری، تشنج، تظاهرات و تعطیل مدارس می‌شوند. کاری که تنها به سود امپریالیسم آمریکا و آن نیروهایی است که می‌خواهند با ایجاد اغتشاش و درگیری جمهوری اسلامی ایران را از درون متلاشی و سپس سرنگون سازند.

لازم به یادآوری می‌دانیم که ما هم به نوبه خود از بعضی از پاکسازی‌های بیجا، اشکال تراشیها در فعالیت انقلابی دانش‌آموزان در مدارس و خود مسرک‌گرایی بعضی از انجمن‌های اسلامی و دانش‌آموزان مخالفیم و پارهای مخالفت‌ها و انتقادهای خود را چه شفاهی و چه در مقالات مختلف در پیام مردم، به گوش مسئولین امر رسانده‌ایم، و برای تحقق خواست به حق دانش‌آموزان-گیری لازم را به کار خواهیم برد. اما این بدان معنی نیست که این مبارزه که به منظور تداوم و تعمیق انقلاب است، به مبارزه با دولت کنونی و در نتیجه به اهرم سرنگونی رژیم انقلابی کنونی بیانجامد. برعکس، اعتقاد ما این است که مانند همیشه جهت عمده مبارزه، باید علیه دشمن اصلی، یعنی امپریالیسم جهانی، پسرکردگی امپریالیسم آمریکا و نوکران دست‌نشانده‌اش، علیه تجاوزات مزدوران صدامی

و ضدانقلاب داخلی باشد. آری! باید به‌قول امام خمینی، همه تفکرها را به سوی آمریکا نشانه رویم! و به همین دلیل از نظر ما، در شرایط کنونی، هرگونه تشنج و اغتشاش، یا هر درگیری داخلی و منحرف شدن از جهت عمده مبارزه، آب به آسیاب امپریالیسم ریختن به حساب می‌آید و محکوم است!

دوستان هوادار سازمان مجاهدین خلق ایران! هم‌اکنون وظیفه نیروهای انقلابی و از جمله دانش‌آموزان، کسب آمادگی رزمی برای مقابله با تجاوزات امپریالیسم آمریکا و نوکرانش و توسعه سیاست اقتصاد جنگی دولت به توده‌هاست. یعنی دانش‌آموزان آگاه باید از اهمیت و نقش کوبین‌ها در جهت برقراری عدالت در جامعه به مردم توضیح بدهند و به‌جای اختلال و اغتشاش در امور مدارس، که منجر به اغتشاش در امور کشور می‌شود، به کمک دولت و هم‌چنین همکاری صادقانه با نهادهای انقلابی در توزیع و تقسیم مواد مصرفی میان خانواده‌ها و آگاه ساختن مردم از توطئه‌های دیگر امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب... و غیره و غیره شرکت جویند. متأسفانه جای شادمانی نیست! در این میدان مبارزه خالی نیست! وظیفه‌شما و هم‌دانش‌آموزان و بوجوانان انقلابی در شرایط کنونی حکم می‌کند که همگام با مردم قهرمان و رزمنده و دانش‌آموزان دلیر و فداکار جنوب و غرب کشور، که در جبهه نبرد با تجاوزگران صدامی و اربابان آمپریالیسم‌شان به سر

حجت‌الاسلام موسوی خوینی‌ها در ملاقات با سفیر کوبا گفت:

ما شما را بدلیل اینکه ضدامریکا هستید، دوست داریم و مسایل هستیم از تجربیات انقلاب شما استفاده نماییم

سفیر کوبا عصر دوشنبه با حجت‌الاسلام موسوی خوینی‌ها، نایب‌رئیس مجلس شورای اسلامی ایران، ملاقات و گفتگو کرد. در این ملاقات، که در محل مجلس انجام شد، سفیر کوبا، در ابتدا گفت: «انقلاب کوبا بعد از پیروزی، مشکلات انقلاب ایران را داشت و امریکا دارائی‌های ما را مانند دارائی‌های شما بلوکه کرد و ما بعد از انقلاب مشکلات فراوانی را تحمل کرده‌ایم و الان بعد از ۲۳ سال که از انقلاب کوبا می‌گذرد، وضع بهداشتی و فرهنگی ما پیشرفت فراوانی کرده و اقتصاد ما مستقل شده است.»

سفیر کوبا در قسمت دیگری از سخنان خود گفت: «انقلاب ایران عمومی و سراسری است و مردم ایران سعی در نابود کردن آثار آمریکا در کشور خود دارند.»

حجت‌الاسلام موسوی خوینی‌ها، در پاسخ به سخنان سفیر کوبا، از جمله گفت: «ما شما را بدلیل اینکه ضد امریکا هستید، دوست داریم و امیدواریم در آینده‌ای نزدیک سفارت جمهوری اسلامی ایران در کوبا افتتاح گردد، ما مایل هستیم از تجربیات انقلاب شما استفاده نماییم و امیدوارم که روابط جمهوری اسلامی ایران و کوبا در آینده‌ای نزدیک گسترش یابد.»

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

- لاهل و لادن ۱۰۰۰ ریال
- سازمان حرب در فیروزکوه ۳۰۰۰۰ ریال
- باقر مظفر ۵۰۰۰ ریال
- هواداران حزب در دامغان ۱۳۲۰۰ ریال
- افسانه ۶۰۰۰۰ ریال
- ۴۰۴ ۳۰۰۰ ریال
- م. از سفر ۱۰۰۰ ریال
- کیاوش ۱۰۰۰ ریال
- د. ش ۳۰۰۰ ریال
- فرشاد ۱۲ ساله، ملول آبادانی از موجودی فلک به حزب پدرش ۳۵۲۵ ریال
- یک مادر توده‌ای ۵۰۰ ریال
- محمد ۳۰۰۰۰۰ ریال
- صد ۷۰۰۰۰ ریال
- جمع‌آوری شده در عروسی نسرن و ف از دانشکده علوم اجتماعی ۱۲۵۰۰ ریال
- گروهی از دوستان و رفقای کرکر کفاح توسط محمود ۷۲۰۰ ریال
- کیام برای خانواده شهبدا ۱۰۰۰۰۰ ریال
- ر. د. از انگلستان ۲۰۰۰۰ ریال
- از مادر بزرگ ۳۴۰۰ ریال
- فروغ ر. ۱۰۰۰ ریال
- حمید برای خانواده شهبدا ۱۹۰۰۰۰ ریال
- دوستی با دستمزد شستن چند ماشین ۱۰۰۰ ریال

کاخ بیدار بزم کنیم
خانم حزب باشیم

رفقای حزبی، هواداران، دوستان حزب و هووطنان!

ما می‌خواهیم همراه شما و به کمک شما چهلین سالگرد تأسیس حزب توده ایران را در خانه حزب برگزار کنیم برای خریدن و یا ساختن خانه حزب یکمک مالی شما نیازمندیم. کمک مالی خود را به نام رضا شلتوکی، شماره بانکی ۸۶۸، بانک ملت ایران (بانک تهران سابق) شعبه سپید قرنی شمالی بپردازید.

توجه: پرداخت پول، با ذکر مشخصات فوق، به نام شعبه‌های بانک ملت ایران (بانک تهران سابق) ممکن است.

مازیار ۱۵۰۰ ریال

هنگ‌سامرین، رهبر شورای انقلابی خلق کامپوچیا: کامپوچیا خواهان روابط حسن همجواری با همسایگان است

هنگ‌سامرین، رهبر شورای انقلابی خلق کامپوچیا، در پایان دیدار رسمی و دوستانه خود از چکسلواکی، بلغارستان و مجارستان گفت: «این سفر بسیار ثمربخش بود. در پایان این دیدار روشن شد که کامپوچیا و این سه کشور سوسیالیستی برادر، در زمینه متحدین مسائل جهانی نقطه نظرهای مشترک دارند.»

هنگ‌سامرین گفت: «کامپوچیا موضع انترناسیونالیستی این سه کشور را فراموش نخواهد کرد. این موضع از روابط دوستی، همبستگی و همکاری ناشی می‌شود. همکاری کامپوچیا با جامعه سوسیالیستی به ارتقاء صلح و آرامش در آسیا، اروپا و سرتاسر جهان ارتباط مستقیم دارد و در مبارزه علیه مسابقه تسلیحاتی و گسترش تشنج‌زدانی عامل مهمی است.»

هنگ‌سامرین، ضمن اشاره به فجایع و جنایات رژیم خون‌آشام پول‌ت - ینگساری، گفت: «بعد از پیروزی انقلاب در ژانویه ۱۹۷۹، مردم کامپوچیا ناچار بودند که بر اثر جنایات بانک پول‌ت - ینگساری همه چیز را از اول آغاز کنند. اکنون کشاورزی در کشور پاره افتاده و یک میلیون و پانصد هزار هکتار زمین زیر کشت برنج رفته است. اکنون کارخانه‌هایی که ویران شده بود یکبار می‌افتد و پول رایج کشور ارزش خرید پیدا کرده است.»

هنگ‌سامرین، ضمن تأکید بر گسترش روزافزون روابط با کشورهای سوسیالیستی، گفت: «کامپوچیا خواهان روابط حسن همجواری با کشورهای آسیای جنوب شرقی است.»

هنگ‌سامرین سیاست تجاوزکارانه برتری طلبان پکن را شدیداً محکوم کرد. خیرگزاری کوبائی: محافل غربی خواستار مبارزه علیه دولت لهستان شدند!

رویدادهای جهان

رهبر افغانستان در جمع گروهی از مردم این کشور گفت: دشمنان انقلاب افغانستان برای دستیابی به هدف‌های ننگین خود ریاکارانه پشت اسلام پنهان شده‌اند

نمایندگان مردم نورستان ساکن در ایالت‌های بدخشان، قلمان و کونار افغانستان با بزرگ‌کارمل رهبر این کشور ملاقات کردند. این نمایندگان اخیراً با قلمنامه‌ای حمایت خود را از دولت انقلاب اعلام کرده و آمادگی خود را برای دفاع از دستاوردهای بزرگ انقلاب آورید و بویژه مرحله دوم آن اعلام کردند. بزرگ‌کارمل در سخنرانی خود خطاب به نمایندگان، سیاست‌گذاری خود را از این حمایت صادقانه اعلام کرد و تأکید کرد که این حمایت ضربه‌ای به دشمنان مردم افغانستان و نیروهای سیاه ارتجاعی، امپریالیسم آمریکا و ارتجاع جهانی است که دشمنان مسلمانان در سرتاسر جهان هستند. رهبر افغانستان یادآور شد «در آستانه مرحله دوم انقلاب موجودیت کشور در خطر بود و برطبق نقشه امپریالیسم و با کمک دارودسته امین خان قرار بود، نام افغانستان از نقشه جهان حذف شده و کشور تجزیه شود.»

دبیرکل حزب کمونیست هند در دیدار با لئونید برژنف: مردم هند اتحاد شوروی را دوست واقعی خود میدانند

لئونید برژنف، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و صدر هیئت‌رئیس شورای عالی این کشور در جریان اقامت در هند با رهبران حزب کمونیست این کشور نیز دیدار و گفتگو کرد. برژنف در این دیدار از روابط صمیمانه فیما بین دو حزب اظهار رضایت کرد. راتو دبیرکل حزب کمونیست هند نیز در این دیدار تأکید کرد که دیدار لئونید برژنف از هند مورد استقبال مردم هند قرار گرفته است، چرا که مردم هند اتحاد شوروی را دوست واقعی خود می‌دانند. رهبران دو حزب برادر از همبستگی انترناسیونالیستی میان دو حزب اظهار رضایت کردند.

کارگران و دهقانان افغانستان مسلحانه از انقلاب در برابر هجوم خارجی دفاع می‌کنند

از باندهای ضدانقلاب اسلحه‌های صاحب آمریکا، اسرائیل، چین و مصر بدست آمده است. گزارش‌های رسیده از افغانستان حاکیست که نیروهای انقلاب در مبارزه با مزدوران ضدانقلابی پیروزی‌های تعیین‌کننده‌ای بدست می‌آورند. در هفته‌های اخیر باندهای بزرگ خرابکاران در ایالت‌های مختلف افغانستان تارومار شدند. در جریان این عملیات موفقیت‌آمیز، نیروهای مدافع انقلاب مقادیر بسیار زیادی سلاح‌های ساخت آمریکا، چین، پاکستان، مصر و اسرائیل از خرابکاران بدست آوردند. مسئله‌ای که بیش از پیش جلب توجه می‌کند شرکت فم‌سال گروه‌های وسیع مسلح دهقانان و کارگران افغانستان در مبارزه با باندهای ضد انقلابی است که بویژه از پاکستان وارد شده و عملیات خود را انجام می‌دهند. اکنون در هر منطقه جوانان، کشاورزان و کارگران که انقلاب را متعلق به خود می‌دانند و مصمم به دفاع از دستاوردهای آن در برابر هجوم خارجی هستند، دوش بدوش نیروهای مسلح افغانستان جانی‌تکاران مزدور را به سزای اعمال خائفانه و جانی‌تکارانه‌شان می‌رسانند.

پس از انجام آزمایشهای گرانبهای علمی ۳ فضانورد اتحاد شوروی به زمین بازگشتند

۳ فضانورد اتحاد شوروی ماکزیم، ماکاروف و استرو-کالوف که بوسیله سفینه پیشرفته سایوز-تی-۳ به فضا رفته و در آزمایشگاه فضایی سالیوت یک رشته آزمایشهای گرانبهای علمی انجام دادند به زمین بازگشتند. در جریان این آزمایشها سفینه پیشرفته سایوز-تی-۳ که بوسیله بسیار پیچیده از جمله دستگاه کامپیوتر کنترل ویژه پرواز مجهز بود مورد آزمایش قرار گرفت. فضانوردان شوروی سالیوت ۶، آزمایشهایی در زمینه تولید مواد نیمه‌هادی انجام دادند و همچنین درباره یک رشته مسائل بیولوژیکی و منابع معدنی زمین مطالعاتی انجام دادند. همچنین دستگاههای سالیوت ۶ را که ۳ سال است در فضا فعالیت می‌کنند، مورد بازرسی و تعمیر قرار دادند.

نامه مردم
از گمان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی

خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM

No. 393
13 December 1980

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه مردم مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۳۵۵۰۱/۴۱ منطقه پستی تهران